

بنیان‌گذاری گروه درس‌های روش‌شناسی در دوره کارشناسی علوم سیاسی (دانش‌افزایی میان‌رشته‌ای)

محسن خلیلی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۷

چکیده

هدف برنامه درسی دانشگاهی رشته علوم سیاسی، افزون بر آموزش و پژوهش در علم سیاست، تربیت افراد کارآمد و علمی برای تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی است. یک برنامه‌ریزی مطلوب باید دربرگیرنده این نکته باشد که یک فرهیخته می‌بایست به چه مهارت‌هایی مجهز باشد تا بتواند در بازار کار حضور مؤثر پیدا کند؟ امروزه فرهیخته علوم سیاسی به انبانی از انبوه مفاهیم تبدیل شده و این توان را نیافته است که آموخته‌های خود را به محیط عملیاتی بکشاند. از یکسو، بن‌مایه رشته علوم سیاسی، تئوری است؛ اما از دیگر سو، این پرسش به نحوی چشم‌گیر مطرح است که چگونه می‌توان تئوری را به فن یا تکنیک هم‌پیوند نمود؟ چگونه می‌توان رشته علوم سیاسی را قابل استفاده‌تر یا کاربردی‌تر کرد؟ چگونه می‌توان نظریه‌ها را به مبنای سیاست‌گذاری تبدیل نمود؟ با توجه به در حاشیه قرار داشتن دروس روش‌شناسی، ناکافی بودن تعداد واحدهای اختصاص داده شده، عدم دستیابی به یک تعادل مطلوب در مباحث درس‌های روش‌شناختی، نادیده‌گرفتن تنوع مکاتب و رویکردهای روش‌شناختی، و معضل چیرگی مونیسم روش‌شناختی، و با عطف توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای علوم سیاسی، پیشنهاد می‌شود گروه درس‌های روش‌شناسی در دوره کارشناسی علوم سیاسی تأسیس گردد.

واژگان کلیدی: علوم سیاسی، ماهیت میان‌رشته‌ای، دانش‌افزایی، کاربردی‌سازی، روش‌شناسی.

مقدمه

اکنون بر سر محتوا، شیوه آموزش و میزان بهره‌گیری از درس روش تحقیق در علوم سیاسی، دادووغان، از دو سو بر آسمان رفته است. از یکسو، استادان، شنوندگان خود را به این اتهام متسبب می‌کنند که شناخت درستی از رشته علوم سیاسی ندارند و به‌طور کلی با تحقیق و پژوهش سر ناسازگاری دارند چه رسد به علاقه‌مندی به شیوه و روش پژوهش؛ از دیگر سو، دانشجویان بر این باورند که این درس در آینده مبهم شغلی آنان، اندک فایده‌ای نیز ندارد و پشت‌میزنشینی و اشتغال‌های نامربوط هم، به محتوا و ماهیت درس روش تحقیق در علوم سیاسی مرتبط نشده است. پس چه باید کرد؟

یک به‌جای پیشینه پژوهش: آسیب‌شناسی روش تحقیق

دانش سیاسی، از منظر یک انتظام دانشگاهی، بر انبوهی از پویایی‌ها استوار شده؛ زیرا، شتابندگی رویدادهای سیاسی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی، آن‌چنان است که دیگر کسی نمی‌تواند با زاویه‌نشینی و اعتکاف و چله‌نشینی‌های در خود فرو رفته، ادعا کند که بن‌مایه علوم سیاسی را درک می‌کند و زوایا و خبایای آن را چنانکه هست، می‌شناسد. این نخستین کاستی نهانی است که در هنگامه بازبینی درس‌های دوره کارشناسی علوم سیاسی می‌توان بازشناسی نمود؛ زیرا، تاریخ «یکم مهرماه هزار و سیصد و هفتاد و پنج»، خود، به‌قدر کافی، عقب‌مانده هست که دیگر نیازی به استدلال و چون و چرا درباره بایستگی بهبود برنامه‌ریزی درسی علوم سیاسی نباشد.

نخستین بار به‌طور جدی، از «بحران روش‌شناسی در علوم سیاسی» (حقیقت، ۱۳۸۲) سخن به‌میان آمد و نشان داده شد که «ابهامات» موجود در فلسفه علم، و روش‌های علوم اجتماعی، و همچنین مجموعه‌ای بودن علوم سیاسی، و درهم بودن مفاهیم و اصطلاحات به‌کار رفته در آن، باعث نوعی آشفتگی در روش‌شناسی این علم شده است. این آشفتگی وقتی به کشورهای جهان سوم (و در اینجا، کشورهای اسلامی و به‌خصوص ایران) می‌رسد، به «بحران روش‌شناسی»، تبدیل می‌شود. (همان: ۱۵۵) اما، کمابیش در تمامی کتاب‌هایی که توسط استادان و پژوهشگران ایرانی، درباره روش تحقیق و پژوهش در علوم سیاسی (هوشمندیار، ۱۳۸۸؛ طاهری، ۱۳۸۶؛



فصلنامه علمی-پژوهشی

۸۴

دوره سوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۹



کاظمی ۱۳۸۶؛ سنجابی ۱۳۸۴؛ معینی علمداری ۱۳۸۵؛ حقیقت ۱۳۸۷؛ سیدامامی ۱۳۸۶؛ منوچهری ۱۳۸۷؛ اردستانی ۱۳۸۸) نگاشته شد، هیچ‌کدام، در وظیفه خود ندیده‌اند که در نوشتار خود به‌عنوان یک منبع درسی برای دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی، به آسیب‌شناسی کارویژه‌ها و کارکردهای درس روش تحقیق در علوم سیاسی دست زنند. در آن میان، تنها، محمود سریع‌القلم از «آفات متدولوژیک تفکر سیاسی در ایران» (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۶۲-۹۱) سخنی به‌میان آورد که بیشتر جنبه معرفت‌شناسانه و فرهنگی / روان‌شناختی داشت؛ و همچنین، محمدباقر حشمت‌زاده، که در پی ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی علوم سیاسی در ایران، برآمده بود، به این دستاورد رسیده است که «علوم سیاسی موجود در ایران در حد لازم و کافی، علمی نیست؛ کاربردی نیست؛ بومی نیست؛ منسجم نیست». (حشمت‌زاده، ۱۳۸۹: ۲) مجموعه مقاله‌های دو شماره از یک مجله (پژوهش‌نامه علوم سیاسی، شماره‌های ۵ و ۱۱) که ارگان انجمن علوم سیاسی ایران است، نشان داد که اصحاب علوم سیاسی در ایران، سخت در پی آسیب‌شناسی‌های جدی در عرصه دانش سیاست در دانشگاه‌های ایران هستند و با کوشایی تمام، در تفکر بهبود کیفیت درس‌های علوم سیاسی برآمده‌اند. در آن میان، سه مقاله از دکتر قاسم افتخاری (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۱-۴۶؛ افتخاری ۱۳۸۵: ۱-۲۱؛ افتخاری، ۱۳۸۷: ۷-۴۵)، نشان از آن داشت که نبردی خیرخواهانه و دانش‌دوستانه، میان اصحاب علوم سیاسی بر سر معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در دانش سیاسی، در گرفته است که بی‌گمان ثمره‌های شیرین آن، سبب ارتقاء کیفی علوم سیاسی خواهد شد.

از سوی دیگر، دو مقاله از دکتر کاووس سیدامامی است؛ در یکی از آنها، وی بر این باور است که در دوره کارشناسی رشته علوم سیاسی در ایران، «روش تحقیق عملاً درسی حاشیه‌ای تلقی می‌شود که بود و نبود آن چندان تأثیری بر دوره ندارد. از سوی دیگر، دانشجویان نیز غالباً از این درس و از درس آمار گریزانند؛ زیرا مباحث ریاضی و فلسفی را دشوار می‌یابند و مهم‌تر از آن چنین می‌پندارند که مباحث طرح‌شده در این درس‌ها، برای آنها فایده‌چندانی ندارد؛ لذا، حتی به‌رغم تلاش‌های برخی مدرسان در اتخاذ شیوه‌های ابتکاری تدریس و جالب کردن مباحث برای دانشجویان، بسیاری از دانشجویانی که دوره کارشناسی را به پایان می‌رسانند، از مبانی روش‌شناسی، بهره‌اندکی دارند». (سیدامامی، ۱۳۸۷: ۱۲۴) در مقاله‌ای دیگر، سیدامامی فرمالیسم روش‌شناختی موجود در پیکره علوم سیاسی ایران را نشانه می‌رود و مدعی می‌شود که «در این میان، آنچه بیشتر تعجب را برمی‌انگیزد، این است که در دانشکده‌های علوم سیاسی در ایران، نوعی



گفتمان روش‌شناختی علم‌گرا مشاهده می‌شود که به شدت مبتنی بر مفروضه‌های تجربه‌گرایی پوزیتیویستی است» [در حالیکه] با وجود تأکیدی که در گفتمان دانشگاهی علوم سیاسی در ایران، بر «روش‌مندی» و ارائه شواهد عینی و تجربی به عمل می‌آید، در بخش عمده مقاله‌های مندرج در نشریه‌های تخصصی علوم سیاسی که بازتاب‌دهنده پژوهش‌های نویسندگان آن مقاله‌هاست، نه به یافته‌های پژوهش تجربی خود نویسندگان اشاره‌ای می‌شود و نه یافته‌های پژوهشی تجربی دیگران مورد استناد قرار می‌گیرد. (سیدامامی، ۱۳۸۹: ۱۴۵)

اما در یکی از سه کتاب^۱ به تازگی منتشر شده احمد محمدپور، بیانیه‌ای ارزشمند و درست درباره نارسایی‌ها و کاستی‌های معرفت / روش‌شناختی در علوم انسانی وجود دارد که می‌توان مصداق‌های آن را در علوم سیاسی نیز به فراوانی یافت. وی، در یک جمله با جرأت تمام، اعلام می‌دارد: «اکثر تحقیق‌های علوم اجتماعی و رفتاری ما، دچار عارضه‌ای فلسفی به نام اختلال پارادایمی هستند». (محمدپور، ۱۳۸۹ الف: ۲۳). بنابراین به زعم او «در محیط‌های دانشگاهی، با انبوهی از دانشجویان سخت‌کوش و علاقه‌مند برخورد می‌کنیم که دانش فلسفی و نظری تحسین‌برانگیزی دارند، اما ناتوانی در کاربرد عملی این رویکردها و بحث‌ها به اختلال ذهنی و پراکندگی اندیشه آنها می‌انجامد... اکثر دانشجویان و محققان با اشارت‌ها و مفاهیم روش‌شناختی متفکرین یا پارادایم‌ها، آشنا نیستند. به عبارت دیگر، ما درباره بنیان‌های فلسفی و پارادایمی روش‌های تحقیق که همواره از آنها استفاده می‌کنیم چیز زیادی نمی‌دانیم». (همان: ۲۰-۲۱). در اینجا می‌توان از خیر چهار کتابی^۲ که درباره روش پژوهش و نگارش در علوم سیاسی نگاشته شده است گذشت، تنها از آن جهت که نه به دشواری‌های بومی شده

۱. احمد محمدپور، روش در روش، تهران: جامعه‌شناسان، (۱۳۸۹ الف)؛ احمد محمدپور، ضد روش، تهران: جامعه‌شناسان، (۱۳۸۹ ب). احمد محمدپور، فراروش، تهران: جامعه‌شناسان، (۱۳۸۹ پ)؛ به زعم نگارنده مقاله، حق آن است که این سه کتاب، کتاب سال شوند تا مبانی و ماهیت متدولوژیک علوم انسانی از این دام‌جمله‌های ناپهنجاری که در آن فرو رفته است، نجات داده شوند و بر صراط مستقیم افتند. جابه‌جا، شایان ذکر است که انتشار مجله «روش‌شناسی در علوم انسانی» از سوی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلاشی پسندیده، در زمینه رهاسازی علوم انسانی از گرداب‌های هلاک‌کننده‌ای است که چندی است مانع هر نوع شکوفایی علوم انسانی در ایران شده و بسیاری را بر این باور نادرست رهنمون ساخته که انگار در ذات علوم انسانی مشکلی است حل‌ناشدنی. رجوع نمایید به:

<http://www.rihu.ac.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=64464a0c-c12e-4036-a40e-34c613b53f94>

۲. لیزا باگلیونه، روش نگارش مقاله پژوهشی در علوم سیاسی. ترجمه محسن خلیلی و رضا دانشمندی، مشهد: مرن‌دیز، ۱۳۹۰؛ پیتر بورنهام [و دیگران]، روش‌های پژوهش در سیاست، ترجمه سیدمحمدکمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۸؛ دیوید مارش، جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸؛ یارول مانهایم، ریچارد ریچ، روش‌های تحقیق در علوم سیاسی: تحلیل تجربی، ترجمه لیل سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

علوم سیاسی در ایران معطوف شده‌اند و نه حاوی داعیه‌ای آسیب‌شناسانه در باب کاستی‌های روش‌شناختی در آموزش درس روش پژوهش در دانش سیاست، هستند.

در مقاله‌ای که به تازگی منتشر شده است، نویسنده به نوعی آسیب‌شناسی جدی و در عین حال دردمندانه در باب دروس روش‌شناسی در رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دست‌یازیده و چهار معضل را تشخیص داده است: تأکید بر چگونگی شناخت ما از دنیای سیاست (معرفت‌شناسی) در برابر آموزش فنون متداول تحقیق، تدریس نظری مباحث روش‌شناختی در برابر آموزش حین کار در جریان اجرای طرح‌های پژوهشی، تأکید حداکثری بر روشمندی و ساختار روشمند مقاله‌های پژوهشی در برابر تلاش برای ارائه محتوای مفید و تأکید بر اصول ثابت روش‌شناختی در برابر آشناکردن دانشجویان با تنوع روش‌شناختی. (سیدامامی، ۱۳۸۷: ۱۲۳) نکته پیشروانه مقاله سیدامامی آن است که یادآوری نموده اگر محتوای درس‌های روش‌شناسی را به مباحث مربوط به کلیات (آشنایی با مفاهیم روش‌شناختی)، تاریخ تحول پژوهش‌ها در رشته علوم سیاسی، فلسفه علم/ معرفت‌شناسی، روش‌های کمی، روش‌های کیفی، و فنون پایان‌نامه‌نویسی (همان: ۱۳۰) تقسیم شود، به‌نظر می‌رسد بسیاری از کاستی‌ها و کمبودهای موجود در علوم سیاسی و دانش‌آموختگان آن، برطرف شود.

نگارنده پیش از این در نخستین همایش انجمن علوم سیاسی ایران، به شیوه‌ای دیگر به نوعی کاستی و کژری در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی در رشته علوم سیاسی اشاره کرده بود: هدف برنامه درسی دانشگاهی رشته علوم سیاسی، افزون بر آموزش و پژوهش در علم سیاست، تربیت افراد کارآمد با توانایی علمی بالا برای تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی ایران و کشورهای جهان است. قصد این برنامه آن است که فرهیخته علوم سیاسی را به شیوه‌ای توانمند سازد که وی بتواند در ارگان‌های اجرایی کشور متمر واقع شود. یک برنامه‌ریزی مطلوب باید در برگیرنده این نکته باشد که یک فرهیخته می‌بایست به چه مهارت‌هایی مجهز باشد تا بتواند در بازار کار حضور مؤثر پیدا کند؟ امروزه فرهیخته علوم سیاسی به انبانی از انبوه واژگان و مفاهیم تبدیل شده و این توان را نیافته است که آموخته‌های خود را به محیط عملیاتی بکشاند. از یکسو، بن‌مایه رشته علوم سیاسی، تئوری است؛ اما از دیگر سو، این پرسش به نحوی چشم‌گیر مطرح است که چگونه می‌توان تئوری را به فن یا تکنیک هم‌پیوند نمود؟ چگونه می‌توان رشته علوم سیاسی را قابل استفاده‌تر یا کاربردی‌تر کرد؟ چگونه می‌توان نظریه‌ها را به مبنای سیاست‌گذاری تبدیل نمود؟ نگارنده بر این باور است که محیط‌های عملیاتی



بسیاری در ساختار نظام تصمیم‌گیری کشور وجود دارد که فرهیختگان علوم سیاسی می‌توانند حضوری مفیدتر در آن داشته باشند. بنابراین می‌بایست با در نظر گرفتن راه‌کارهای گوناگون به بهینه‌سازی رشته علوم سیاسی پرداخت تا دستاورد نهایی، عبارت از کاربردی شدن رشته‌ای باشد که تاکنون، تنها به‌عنوان مدعی تئوریک ساخت قدرت سیاسی محسوب می‌شد.

نیز در دومین همایش انجمن علوم سیاسی ایران، باز هم نگارنده بر راهی دیگر رفت و برای کاربردی‌سازی و میان‌رشته‌ای نمودن علوم سیاسی، «پیشنهاد پنج درس جدید در دوره کارشناسی علوم سیاسی» را ارائه کرد: گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد با تأکید بر رویکردهای عملی و تأسیسی علم سیاست و با توجه به نیازهای دستگاه‌های اجرایی کشور، از اواخر سال ۱۳۸۶، اقدام به بازنگری در برنامه درسی دوره کارشناسی علوم سیاسی نمود. هدف از این تلاش، کمک به بهبود جایگاه علم سیاست در فرایند و نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور از طریق تربیت کارشناسان مورد نیاز اعلام شده است. در بند دال ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه، نیز برای زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی، به «بازنگری در رشته‌های دانشگاهی، بر مبنای نیازهای اجتماعی، بازار کار و تحولات علمی، در راستای توسعه علوم میان‌رشته‌ای با تأکید بر علوم انسانی» اشاره شده است. نگارنده پیشنهاد می‌دهد پنج درس جدید اجباری به دوره کارشناسی علوم سیاسی افزون گردد که عبارت‌اند از: قانون‌گذاری، با این پیش‌فرض که یک دانشجوی علوم سیاسی باید ترکیبی چند زمینه‌ای از تخصص‌های چندگانه را فراگیری کند تا بتواند به طرز عملیاتی در محیط‌های پارلمانی به‌کار اشتغال یابد؛ سیاست‌گذاری عمومی، با این رویکرد که یک فرهیخته علوم سیاسی باید بتواند در نقش یک مقام سیاسی محلی یا ملی به کمک یک برنامه عملی، در پی تغییر محیط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بازیگرانی اجتماعی که در یک منطق بخشی جای گرفته‌اند، برآید؛ نظام‌های انتخاباتی، زیرا حضور مؤثر در گام‌های گوناگون انتخابات، زمانی شکل واقعی به خود می‌گیرد که دانش آموخته علم سیاست بتواند جغرافیای انتخابات، جامعه‌شناسی رأی، رفتارشناسی سیاسی، نحوه عملکرد احزاب سیاسی، میزان حضور لابی‌ها، تعامل رفتارهای مدنی میان نخبگان و عوام و تأثیر رسانه‌های عمومی بر فضای انتخابات را به شیوه‌ای علمی / کاربردی بشناسند؛ حکومت محلی، با این رهیافت که آموزش و پژوهش عمل‌گرایانه در جنبه‌های گوناگون حکومت محلی، شوراها و شهرداری‌ها سبب می‌شود فرهیخته علوم سیاسی بتواند به اداره حکومت‌های محلی بپردازد؛ بودجه‌نویسی، زیرا آشنایی عملی با فنون و ظرایف امور مالیّه عمومی و پردازش





سند بودجه سبب می‌شود دانش‌آموخته علوم سیاسی بتواند در فرایند سیاست‌گذاری منجر به برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی به نحو فعالانه دخیل شود.

به‌زعم نگارنده، برنامه درسی رشته علوم سیاسی دست‌کم متعلق به دو دهه پیش است. اگر ماهیت بسیار سیال سیاست را مدنظر آوریم می‌توان بر این دیدگاه اجماع آراء یافت که اکنون زمان بررسی ژرف‌کاوانه دروس و تغییر و تحول بنیادین آن، فرا رسیده است. نگارنده تنها درصدد آن است که به ماهیت عمل‌گرایانه دروس علوم سیاسی نکته‌هایی بیفزاید. اضافه کردن درس کامپیوتر با گرایش پژوهش در علوم سیاسی، سبب تسهیل در کاربرد روش‌های نوین و کاربست نرم‌افزارهای گوناگون در فرایند پژوهش می‌شود. این امر سبب می‌گردد دانشجویان از فضای صرفاً نظری بیرون آمده و یاد بگیرند چگونه می‌تواند با کاربست روش‌ها و بسته‌های نرم‌افزاری به تحلیل نزدیک به واقع، دست یابد. اضافه کردن درس منطق ریاضی / مسائل بنیادین ریاضی به دروس پایه، سبب منضبط‌سازی ذهن و قاعده‌مند ساختن تحلیل و پژوهش نزد دانشجویان می‌شود. غرق شدن در داده‌های بی‌شمار تاریخی / تئوریک به دانشجویان قدرت تمیز نمی‌دهد و او را فاقد قدرت تحلیل می‌کند. بارها شاهد نالیدن دانشجویان رشته علوم سیاسی بوده‌ایم که بر این باور بوده‌اند که دانشجویان رشته‌های فنی، تحلیل‌های دقیق‌تر و منسجم‌تری از اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی در چنته دارند. بی‌گمان ذهن ریاضی‌وار، قدرت ابداع تحلیل بهتری دارد زیرا می‌تواند به سرعت داده‌ها را دسته‌بندی کند و ضمن پیوند دادن منطقی میان قضایای همانند، تحلیل نزدیک به واقعیت ارائه دهد و یا دست‌کم انسجام ظاهری قابل‌پسندی را در نحوه ارائه تحلیل به نمایش گزارد. اضافه کردن درس آمار، ضمن تجهیز دانشجویان به فنون آماری، او را آماده پژوهش‌های میدانی و پیمایشی می‌کند. از اینرو، دانشجویان می‌توانند از فضای سنگین نظریه صرف، به محیط عمل اجتماعی رجوع کنند و خود دست به تحلیل داده‌های به‌دست آمده بزنند. آمار، سبب نزدیک شدن فضای ذهنی تئوریک به عمل واقعی درون اجتماع می‌گردد.

یادگیری مبانی فلسفه به ژرفایی تحلیل با تکیه بر چیستی‌ها و چرایی‌ها مدد می‌رساند. ارزش فلسفه در پرسش‌هایی است که برمی‌انگیزد و موفقیتی است که در پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها حاصل می‌کند. قدرت یک فرهیخته علوم سیاسی در ارائه تحلیل‌های منسجمی است که در پی طرح پرسش‌هایی قوی و مستدل ارائه می‌گردند. مسائلی مانند یقین و شک، خردگرایی، نسبی‌گرایی، استقرا و قیاس، تجربه‌گرایی، عینیت، اخلاق، اختیار، آزادی، مسئولیت، واقعیت، حقیقت و هویت، به واقع در متن و حاشیه زندگی روزمره انسان‌ها وجود دارند به‌ویژه آنکه



کلیه مسائل موجود در سیاست به نحوی بنیادین ریشه در مسائل و معضلات فلسفی دارند. یادگیری فلسفه، فرهیخته علوم سیاسی را وادار می‌کند در تحلیل مسائل سیاسی، از زیر بنا آغاز نماید و مبانی استدلال خود را بر پایه‌های یقین استوار گرداند. مسائل اساسی فلسفه به فرهیخته علوم سیاسی یاد می‌دهد که چگونه در عرصه عمل می‌توان مدعاها را به شیوه مستحسن اثبات کرد. یادگیری منطق به عنوان بخشی از دروس پایه به منتظم ساختن پروسه گفتگو کمک می‌کند. از اجزاء جدایی‌ناپذیر رشته علوم سیاسی، یکی نحوه سخن گفتن و کاربست شیوه مذاکره و گفتگوست؛ زیرا به سیاست به عنوان عرصه تعاملات اجتماعی تنها در سایه دیالوگ می‌توان نگاه کرد. مفاهیمی همچون استدلال سالم و معتبر، صورت منطقی، مغالطه‌های صوری و غیرصوری، گزاره‌های ضروری و احتمالی، استدلال استقرایی در مقابل استدلال قیاسی، منطق گزاره‌ها و منطق مجموعه‌ها به سالم و ساده‌سازی مسیر گفتگو کمک می‌کند. یادگیری منطق، فرهیخته علوم سیاسی را آماده مذاکره می‌کند؛ گفتگویی که در آن منفعت یک نهاد غیر دولتی، یک گروه فشار، یک حزب سیاسی؛ یک فرایند دادگاهی و در فرجام کار، منافع ملی یک ملت، تأمین می‌شود. یادگیری انواع و اقسام روش‌های پژوهش و تکنیک‌های گردآوری داده‌ها، سبب می‌شود دانشجو و دانش آموخته علوم سیاسی با اعتماد به نفس بیشتر و قدرت بالاتر به گفتگو بپردازد و با یادگیری کیفی تر فنون پژوهش به قدرت بالاتر برای مذاکره دسترسی پیدا کند. بنابراین به خودی-خود، به رشد و بالندگی از طریق آشنایی با کاستی‌های خود مدد می‌رساند. عملیاتی نمودن پژوهش به معنای نظریه‌مند ساختن و هدایت مشاهده است. در واقع فرایند پژوهش در اصل به معنای مقایسه مشاهدات واقعی با انتظاراتی است که ما بر اساس نظریه‌هایمان از واقعیت داریم. (مانهایم و ریچ، ۱۳۷۷: ۸۴) زیرا برای توضیح پدیده‌های سیاسی می‌بایستی محقق داوری کند که تا چه اندازه می‌تواند بر نظریه‌ها تکیه نماید. بهره‌گیری از مدل‌ها به معنای تصویر ساده شده دنیای واقعی، از یکسو، می‌تواند کار نظریه را در دنیایی که داده‌های کمی وجود دارند، انجام دهد؛ ولی از دیگر سو، هرگز به جای آن نمی‌نشیند. یادگیری فرایند مدل‌سازی به‌ویژه با تکیه بر کمیت‌ها این توان را به محقق می‌دهد که به بررسی پیشنهادهایی بپردازد که کمابیش در درستی آنها کمتر تردیدی روا داشته می‌شود. روش‌هایی همچون مشارکت، مشاهده، مصاحبه عمیق و بررسی اسناد در جمع‌آوری داده‌ها می‌تواند به پژوهشگر اطمینان دهد که موضوع مورد تحقیق را به طرز عملی، کارآمد، توأم با امکان‌سنجی واقعی و با رعایت اصول اخلاقی (مارشال، ۱۳۷۷: ۱۴۸) وارد حیطه پژوهش ساخته است. کار بست طیف‌های گوناگونی چون بوگاردوس، تورستن، لیکرت و



گوتمن (رفیعیپور، ۱۳۷۸: ۲۰۷-۲۸۳) اجازه می‌دهد محقق، یک موضوع یا مطلب مورد پژوهش را با واحد یا مقیاس‌هایی که به طرز بین‌الذهانی کم و بیش ملموس باشند، اندازه‌گیری کند. روش تحلیل محتوا، پژوهشگر را قادر می‌سازد که براساس محتوای یک پیام و یا یک متن در مورد سه عنصر دیگر فرایند ارتباط یعنی فرستنده، گیرنده و وضعیت اجتماعی، نتیجه‌گیری کند. تحلیل محتوا افزون بر تفسیر و تحلیل توصیفی متن، همبستگی‌های مستتر در متن را مورد تجسس و اندازه‌گیری قرار می‌دهد تا بتواند به کشف وضعیت اجتماعی دست یابد. (اتسلندر، ۱۳۷۱: ۶۶)

پژوهشگر می‌تواند با مجهز شدن به انواع گوناگون روش‌ها و تکنیک‌های کمی و کیفی پژوهش، به واقعیت‌های بیشتری دسترسی پیدا کند. افزون بر روش‌های کیفی که بر مطالعات فلسفی، جامعه‌شناسانه و تاریخی استوارند، بهره‌گیری از روش‌های کمی سبب ممانعت از جدایی از امر واقع می‌گردد. روش‌های کمی می‌توانند به روایی و اعتبار بیشتر در پژوهش‌ها بینجامند زیرا کیفی‌گرایی یا ذهن‌گرایی محض سبب به‌بار آمدن نتایجی کاملاً متمایز از بررسی‌های پژوهشی می‌شود که به تدریج پایه‌های دانش را سست می‌کند. بررسی‌های کمی نتایج متقن و عینیت یافته به‌بار می‌آورند و قدرت اقناع خود را فقط به اظهار نظرهای فلسفی و کیفیت‌گرا و انمی‌گذارند، بلکه با جستجوی دقیق داده‌ها و یافته‌ها، پیامدهای قابل اتکای عینی توأم با اعداد و ارقام پدید می‌آورند. بنابراین استفاده از زبان ریاضی لازمه دانش اجتماعی است. (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۰)

به‌ویژه غرق شدن علوم سیاسی در اظهار نظرهای پژوهشی کیفی‌گرا که به شهود و اشراق همانند می‌شوند سبب شده است به تدریج، علوم سیاسی در حد فهم عوام تنزل یابد و هر کس به فراخور حال خود در باب آن اظهار نظر کند، در حالیکه پیش از این «اشرف علوم انسانی» خوانده می‌شد. بهره‌گیری‌های ترکیبی از استراتژی‌های چهارگانه پژوهشی استقرایی، قیاسی، واپسکاوی، استنفهامی (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۳۶) با هدف‌هایی چون اثبات تعمیم‌های عام، آزمون نظریه‌ها برای حذف نظریه‌های غلط، کشف سازوکارهای زیربنایی برای تبیین قواعد مشاهده شده، و توصیف و فهم زندگی اجتماعی براساس انگیزش‌ها و تعابیر کنشگران اجتماعی، به همراه کاربست مدل‌های کمی تحقیق می‌توانند هر دانش‌آموخته‌ای را در ارائه پاسخ‌های تحلیلی و عمل‌گرایانه به معضلات اجتماعی، کارآمد سازند؛ حال تفاوتی نمی‌کند که این پرسش‌ها بر مبنای چه آغاز شده باشند یا بر مبنای چگونه و چرا. ولی محقق را قادر می‌سازند که افزون بر توصیف، تشریح و تبیین به ارائه راهکار پردازد و با واقع‌گرایی و عینیت‌گرایی، مصائب اجتماعی را فهم کند و درصدد رفع محذورها و کاستی‌های جامعه برآید.

بهتر است درس کارورزی به عنوان یکی از دروس اصلی در برنامه دروس علوم سیاسی گنجانده شود تا دانشجو بتواند به نحوی عملیاتی و کارگاهی در شناخت پدیده‌های سیاسی نقش آفرینی کند. تجربه کارگاه‌های نهادهای مدنی و حقوق بشر و یا بهره‌گیری از تمرینات شبیه‌سازی یا بازی نقش‌ها که در آن دانشجو با به‌عهده گرفتن نقش‌های متعدد و اجرای سناریوهای از پیش تنظیم شده، فضای واقعی جهان سیاست را نمایش داده و با این عمل، ضمن یادگیری و آموزش وظایف سازمان‌ها، اشخاص و ارگان‌ها، توانایی‌های بالقوه خویش را نیز شکوفا می‌سازد. کارورزی فنون تحلیل سیاسی با تکیه بر تعاریف، مثال‌ها، قضیه‌ها و مسئله‌ها (استریکلند، وید و جانستون، ۱۳۸۰: ۱۳) و با در نظر گرفتن الگوهای عقل‌گرایی، نهادگرایی جدید، سازه‌گرایی و رفتارگرایی (های، ۱۳۸۵: ۵۷) می‌تواند دانشجوی علوم سیاسی را با قدرت بیشتری وارد کارزار میدان اشتغال کند.

هرگونه اندیشه نو درباره امکان عملیاتی کردن دروس علوم سیاسی، به فرهیخته آن کمک می‌کند تا بدون استرس و با تکیه بر اعتماد به نفس فراهم آمده از تجربه‌های مکرر کارهای عملی کلاسی، بتواند وارد بازار کار شود. این امر به‌عهده استاد و نظام آموزشی است که تا جایکه امکان دارد بکوشند دروس علوم سیاسی را به آمیزه دانش و عمل مبدل سازند. نقش‌ها و کارکردهای نهادهای مدنی هنگامی می‌تواند به طرز صحیح و پایدار آموخته شود که به طرز عملی تجربه‌های دانشجویان و حتی مردم عادی از عضویت در نهادهای مدنی غیردولتی به بحث‌های میان‌گروهی گذاشته شود. نقاط ضعف و قوت نهادهای مدنی از این رهگذر برای اعضای آن روشن می‌گردد.

نگارنده، اکنون شادمان است که می‌تواند مقاله‌ای ارائه دهد که در آن، به‌زعم خود، راه‌حلی برای درمان درد و معضلی مشترک در رشته علوم سیاسی، یافته و اکنون وقت پیشنهاد آن است. با توجه به در حاشیه قرار داشتن دروس روش‌شناسی، ناکافی بودن تعداد واحدهای اختصاص داده شده، عدم دستیابی به یک تعادل مطلوب در مباحث درس‌های روش‌شناختی، نادیده گرفتن تنوع مکاتب و رویکردهای روش‌شناختی، و معضل چیرگی مونیسم روش‌شناختی، پیشنهاد می‌شود «گروه درس‌های روش‌شناسی در دوره کارشناسی علوم سیاسی» تأسیس گردد. درس‌های پیشنهادی عبارت‌اند از: ماهیت پژوهش در علوم سیاسی، پژوهش‌های کیفی در علوم سیاسی، پژوهش‌های کمی در علوم سیاسی، تاریخ و فلسفه علم، فلسفه علوم اجتماعی، آیین نگارش مقاله‌های علمی در علوم سیاسی، آشنایی با منابع کتابخانه‌ای و روش‌های جستجو در اینترنت (مهارت‌های اطلاع‌یابی) و کارگاه پژوهشی در علوم سیاسی.



دو) پیشینه و وضعیت کنونی درس روش تحقیق در دوره کارشناسی علوم سیاسی

درس روش تحقیق در علوم سیاسی به ارزش چهار واحد نظری بدون پیش نیاز و با هدف آشنایی دانشجویان علوم سیاسی با شیوه‌ها و متدولوژی روش‌های اساسی تحقیق و تتبع علمی با تأکید بر رشته علوم سیاسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (جلسه سی صدویست و پنجم به تاریخ ۱۳۷۵/۷/۱) است. سر فصل‌های این درس عبارت‌اند از: تعریف علم، شناخت علمی، هدف از مطالعه روش تحقیق، روش‌های علمی تحقیق، اصول برنامه تحقیق (تعریف مسائل، شناخت مسائل، مسائل تحقیق، ملاک انتخاب مسائل تحقیق) عناصر اصلی روش علمی تحقیق، طرح‌های تحقیق، هدف طرح تحقیق، انواع طرح تحقیق، تحقیق بر مبنای اطلاعات قبلی، تحقیق بر مبنای اطلاعات تاریخی، هدف مطالعه تاریخی، منابع تاریخی، تحقیق بر مبنای اطلاعات آماری (سرشماری، انواع نمونه‌برداری، میانگین، میانه و نما، احتمالات، شاخص‌های پراکندگی و همبستگی، انحراف معیار) مراحل روش علمی تحقیق، روش‌های جمع‌آوری اطلاعات (جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش تاریخی، کاربرد کتابخانه در جمع‌آوری اطلاعات، طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات، تهیه و نوشتن گزارش، رساله و کتاب).

در تیر ۱۳۸۲، گروه علوم سیاسی و معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان، با توجه به اختیارات گسترده‌ای که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاه‌های مادر اعطاء کرده است اقدام به بازنگری در مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی علوم سیاسی نمودند. در این برنامه، دو درس پایه/اجباری به نام‌های روش تحقیق در علوم سیاسی و کاربرد آمار در علوم سیاسی (به ارزش هر درس دو واحد نظری بدون پیش نیاز) با هدف آشنایی دانشجویان علوم سیاسی با شیوه‌ها و متدولوژی روش‌های اساسی تحقیق و تتبع علمی با تأکید بر رشته علوم سیاسی، پیش‌بینی شده است. به تعبیر گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، «رئوس مطالب» این دو درس عبارت‌اند از: تعریف علم، شناخت علمی، هدف از مطالعه روش تحقیق، روش‌های علمی تحقیق، اصول برنامه تحقیق (تعریف مسائل، شناخت مسائل، مسائل تحقیق، ملاک انتخاب مسائل تحقیق)، عناصر اصلی روش علمی تحقیق، طرح‌های تحقیق، هدف طرح تحقیق، انواع طرح تحقیق، تحقیق بر مبنای اطلاعات قبلی، تحقیق بر مبنای اطلاعات تاریخی، هدف مطالعه تاریخی، منابع اصلی تاریخی، مراحل روش علمی



فصلنامه علمی-پژوهشی

۹۳

بنیان‌گذاری گروه
درس‌های ...



تحقیق، روش‌های جمع‌آوری اطلاعات (جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش تاریخی، کاربرد کتابخانه در جمع‌آوری اطلاعات، طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات، تهیه و نوشتن گزارش، رساله و کتاب). انجام یک تحقیق کتابخانه‌ای در این درس الزامی است. سرفصل درس کاربرد آمار در علوم سیاسی نیز عبارت است از: مراحل روش علمی تحقیق، روش‌های جمع‌آوری اطلاعات (جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده)، تحقیق بر مبنای اطلاعات آماری (سرشماری، انواع نمونه‌برداری)، تجزیه و تحلیل اطلاعات، انواع آمار (توصیفی، استنباطی، رگرسیون)، مقیاس‌های پیوستگی (میدان، میانگین، میانه و نما)، شاخص‌های پراکندگی (واریانس، انحراف معیار و...)، نحوه تهیه و نوشتن گزارش، رساله و کتاب. انجام یک تحقیق پیمایشی در این درس الزامی است. در عین حال، یک درس دو واحدی نظری و اختیاری «روش تحلیل و نظرسنجی سیاسی» نیز با هدف آشنا کردن دانشجویان با روش‌های [مطالعه و پژوهش] علمی پدیده‌ها و حوادث سیاسی در جامعه و نیز روش‌های علمی نظرسنجی سیاسی جهت استفاده در تحلیل‌های سیاسی، در فهرست دروس دوره کارشناسی تعبیه شده و سرفصل مطالب آن چنین است: کلیات تحلیل سیاسی، ابزارهای تحلیل سیاسی، ویژگی‌ها و خصوصیات تحلیل‌گر پدیده‌های سیاسی، سطوح تحلیل سیاسی، اصول کلی و مبانی شناخت و تحلیل سیاسی، کالبدشکافی بحران‌های سیاسی و اجتماعی، روش‌های مختلف نظرسنجی سیاسی (پرسشنامه/مصاحبه)، کاربرد نظرسنجی سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها.

هم برنامه درسی مصوب سال ۱۳۷۵ وزارت فرهنگ و آموزش عالی و هم برنامه مصوب سال ۱۳۸۲ دانشگاه اصفهان کاستی‌های بسیار دارند، ولی نگارنده اکنون تنها به دغدغه خویش می‌نگرد و فرصت نقد و انتقاد را غنیمت نمی‌داند که به‌جز هدر رفتن وقت و نیرو، ملال‌های دیگر می‌افزاید. همین که گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، نگرانی ناشی از روزآمد/کاربردی نبودن درس‌های دوره کارشناسی علوم سیاسی را تبدیل به یک فرصت نمود و برنامه درسی جدیدی تدوین کرد که بسیاری از دشواری‌ها و کژئی‌های برنامه‌های پیشین را در خود ندارد، بسی قابل تقدیر و ارجگذاری است. پیدایش دروس جدیدی در رشته علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای و مطالعات ایران و سیاست‌گذاری عمومی در مقطع کارشناسی ارشد (با عنوان‌هایی چون معرفت‌شناسی و روش تحقیق در روابط بین‌الملل، تحلیل و پیش‌بینی در عرصه سیاست بین‌الملل، روش تحقیق در علم سیاست با تأکید بر تحقیقات موردی، روش پژوهش در روابط بین‌الملل، روش تحقیق و آمار برای سیاست‌گذاری عمومی) نشان می‌دهد

که استادان و دانشجویان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دست‌کم، به‌وجود یک کاستی بنیادین در دانش سیاسی کشور پی برده و درصدد رفع آن برآمده‌اند.

نگارنده در یک وبگردی هدفمند ولی کم‌دامنه، درس روش پژوهش در علوم سیاسی را در دو سه دانشگاه معتبر دنیا رهگیری نمود. در دانشگاه هاروارد، استاد، در یکی از درس‌های روش تحقیق، محتوای کلاس را بر کاربست روش تجربی در پژوهش‌های سیاسی می‌گذارد. سر فصل و سیلابس درس بر سه پایه خواندن متون، پرسش دانشجویان از استادانی که پژوهش سیاسی انجام داده‌اند و گفتگو با آنها، و ارائه کاری که دانشجو به‌صورت تکلیف درسی داشته، استوار شده است. کل نمره کلاس به این صورت دسته‌بندی شده است: مشارکت کلاسی (۳۰ درصد)، پروژه تکلیف کلاسی (۱۰ درصد)، تبیین و دفاع از پژوهش (۵ درصد)، مرور ادبیات موجود در مورد کار پژوهشی هر دانشجو (۱۵ درصد)، ارائه مطلب در کلاس درس (۱۰ درصد)، و پروپوزال نهایی پژوهش (سی درصد). تقویم کلاس درس این چنین است: مقدمه، مدل‌ها و تئوری‌های علوم سیاسی، مقدمه طراحی پژوهش و روش تجربی، مطالعات موردی / مقایسه‌ای / تحلیل آماری، گزینش و نمونه‌گیری موارد، مشاهده / اندازه‌گیری و معناداری سیاسی موضوع، سخنرانی میهمانان مدعو و ارائه گروهی دانشجویان در دانشگاه آکسفورد و در دپارتمان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، درس روش‌های کمی در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی توسط دکتر استن فیشر ارائه شده است. هر جلسه کلاس مبتنی بر یک موضوع، مطالعه پیشین و رجوع به منابع زمینه‌ساز موضوع، دو پرسش اساسی در هر جلسه، مطالعات منابع مربوط به موضوع و نمونه‌های عینی و تجربی مبتنی بر همان موضوع کلاسی است. در گروه علوم سیاسی دانشگاه کارلتون کانادا نیز دو درس مقدمه‌ای بر روش‌های پژوهش در علوم سیاسی، و روش‌های پژوهش کمی در علوم سیاسی توسط اوون تمبی و اسکات بنت تدریس شده است. هدف‌های دوگانه درس اول (مقدمه‌ای بر روش‌های پژوهش در علوم سیاسی) چنین است: در مرتبه نخست، دانشجو را با ابزارهای ضروری طراحی یک پروپوزال پژوهشی آشنا می‌کند و به او یاد می‌دهد که چگونه پژوهش تجربی انجام دهد. دوم، دانشجویان را با متدولوژی‌های گوناگونی که در مطالعه پدیده‌های سیاسی به‌کار بسته می‌شوند آشنا و آموخته می‌کند. پس از پایان درس، دانشجو باید قادر شده باشد به انجام اعمالی که از او انتظار می‌رود دست‌زد، یعنی: بیان بنیادهای پژوهش مقایسه‌ای / توصیفی، درگیر شدن در گفتگوهایی بر سر منافع و عیوب رهیافت‌های گوناگون، بیان اینکه یک مطالعه موردی چیست و ما برای چه آن را به‌کار می‌بندیم و طراحی یک پروپوزال پژوهشی که با پروژه پژوهشی مبتنی





بر فرضیه مشخص شده باشد. برنامه‌ریزی درسی (در هر هفته دو بار کلاس درس) نیز از این قرار است: مقدمه، اصول پژوهش کیفی، تحلیل مطالعه موردی و مفهوم‌سازی، جمع‌آوری داده‌ها از طریق مشاهده و مصاحبه، رهیافت‌های پژوهش‌های کیفی: مقایسه (قسمت ۱ و ۲)، رهیافت‌های پژوهش‌های کیفی: توصیف (قسمت ۱ و ۲)، رهیافت‌های پژوهش‌های کیفی: فمینیسم (قسمت ۱ و ۲)، تکمیل یک پروپوزال پژوهشی و نتیجه‌گیری. اسکات بنت نیز در درس روش‌های پژوهش کمی در علوم سیاسی، اهداف درس خود را چنین اعلام نموده است: آماده‌سازی و تدارک دانشجویان در آشنایی با دانش نظری و عملی روش‌های پژوهش کمی، آماده‌سازی دانشجویان با کاربری مهارت‌های لازم در زمینه انجام پژوهش‌های مبتنی بر متدهای کمی، آشناسازی دانشجویان با توانایی قضاوت درباره ارزش‌ها، امتیازات و متناسب بودن روش‌های پژوهش کمی در قیاس با سایر متدولوژی‌های پژوهش، و افزودن توانایی‌های دانشجویان در کاربری کامپیوتر و داده‌آمایی‌های کامپیوتری و نیز کاربری نرم‌افزارها.^۱ حال که به یک تعبیر، تحقیق در علم سیاست از مشکل‌ترین و ناشناخته‌ترین بخش‌های تحقیقاتی در رشته‌های مختلف علوم انسانی است (سریع القلم، ۱۳۸۶: ۷) شاید بتوان بر پایه این باور که اساس علم سیاست و مبنای نهایی تحقیق سیاسی، ساختارسازی و چارچوب‌بندی مواد خام است (همان: ۹)، اقدام به بازنگری در مجموعه درس‌های روش‌شناسی در علوم سیاسی نمود.

سه) تأسیس درس‌های گروه روش‌شناسی

هدف اصلی پژوهش اجتماعی علمی، فراهم ساختن ابزارهای لازم برای شناخت رفتار و هستی آدمی و پیش‌بینی این رفتارها و پدیده‌هاست. برای شناخت و پیش‌بینی آنچه انسان انجام می‌دهد، پژوهشگر می‌بایست اطلاعات یا واقعیت‌های معتبر و موثقی در اختیار داشته باشد. برای دستیابی به واقعیت‌های پایا و روا، باید از قوانین صریح و صحیح بهره گرفت تا بتوان میزان حقیقتی را که در تک‌تک داده‌ها وجود دارد، تعیین نمود. ولی تشخیص ماهیت یک واقعیت و آنچه تعیین می‌کند که یک داده عبارت از یک واقعیت است مسئله پیچیده‌ای است. علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به‌عنوان پیچیده‌ترین شاخه‌های علوم اجتماعی، چند وجهی

۱. نگارنده به چهار نشانی اینترنتی زیر مراجعه نموده است:

1. <http://ocw.mit.edu/OcwWeb/Political-Science/17-869Fall2003/CourseHome/index.htm>.
2. http://politics.ox.ac.uk/teaching/ug/reading_lists/226.
3. <http://www2.carleton.ca/polisci/ccms/wp-content/ccms-files/psci-2701a-temby-es09.pdf>.
4. <http://www2.carleton.ca/polisci/ccms/wp-content/ccms-files/2702a-bennett-ls09.pdf>.

هستند و از حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، تاریخ، فلسفه، حقوق و مدیریت بهره می‌گیرند. بنابراین، ماهیت پژوهش در علم سیاست به معنای عام کلمه از پیچیدگی و تنوع ویژه‌ای برخوردار شده است.

الف) درس ماهیت پژوهش و روش در علوم سیاسی

بنا به یک تعبیر، کنجکاو و نیاز، انگیزه‌های اصلی و بنیادی پژوهش‌های بشراند. راه اصلی و بسیار ساده درک و دگرگون‌کردن محیط اطراف انسان (به‌ویژه در این زمینه، محیط سیاسی دور و بر ما) شناخت هرچه بیشتر آن است. ولی این برداشت ساده دو پرسش پیچیده‌تر را مطرح می‌کند: چگونه به دانش (در این زمینه، دانش شناخت پدیده‌های سیاسی و به‌طور کلی نظام سیاسی) دست یابیم و دانسته‌هایمان را چگونه به‌کار بندیم؟ پرسش نخست به روش مربوط است و دومی به اصول اخلاقی و رجحان‌ها. (مانهایم و ریچ، ۱۳۸۵: ۶-۷)

در یک تعریف ساده، پژوهش، مجموعه کارهایی است که پژوهشگر برای رسیدن به پاسخ پرسشی تازه و مهم یا راه‌حل یک مسئله، تدوین یک نظریه، کشف یک قانون عمومی و نیز بهتر کار کردن یک دستگاه انجام می‌دهد. همچنین بررسی و جستجو درباره‌ی درستی یا نادرستی یک موضوع را پژوهش یا تحقیق (خراسانی، ۱۳۸۷: ۷) می‌نامند. یک پژوهشگر تازه‌کار می‌بایست به مرور زمان، شیوه‌های حل مسئله، آفرینندگی، چگونه اندیشیدن و بنیه‌پروری را فرا گیرد. پیامدهای مثبت پژوهش عبارت‌اند از: تقویت روحیه کنجکاو و کاوشگری، آموختن چگونه اندیشیدن و درست فکر کردن و آموختن مسیر پژوهش و چگونگی طی مسیر تحقیق؛ تاجایی که ثمره نهایی پژوهش، رهایی از قیومیت و رهایی از سلطه تا مرز دستیابی به خودمختاری فکری، اخلاقی و روانی (هاپکینز، ۱۳۸۴: ۱۹) تلقی شده است.

به تعبیر دنسکامب برای اینکه تحقیقی، کیفیت پژوهش اجتماعی پیدا کند لازم است که هدف‌های آن به روشنی بیان شده باشد، یعنی به نیازها و دانش موجود مرتبط شده و در چارچوب محدودیت‌های زمان، پول و فرصت صورت گرفته باشد. پژوهش لازم است چیزی تازه به شناخت بیفزاید از این طریق که داده‌های دقیق و معتبری را مورد استفاده قرار دهد که به شیوه‌ای توجیه‌پذیر گردآوری و استفاده شده باشند تا یافته‌هایی تولید کند که بتوان از آن تعمیم به‌عمل آورد. پژوهشگر لازم است نگرش و رویکرد معینی اتخاذ کند، یعنی آزاداندیش و از لحاظ فکری مستقل باشد، حقوق و منافع شرکت‌کنندگان در پژوهش را به رسمیت بشناسد و در مورد دعاوی خود، مبتنی بر یافته‌ها، محتاط باشد. (دنسکامب، ۱۳۸۶: ۱۳) آنچه در این درس مهم است



عبارت از: آشنایی دانشجویان با پنج مرحله یک تحقیق است: مطالعات اولیه، شناسایی موضوع، طراحی ساختار تحقیق (اصول یازده‌گانه تحقیق)، جمع‌آوری مواد خام یا اطلاعات تحقیق، تجزیه و تحلیل مواد خام یا اطلاعات تحقیق، و اصول نظریه‌پردازی در علم سیاست.

ماهیت پژوهش و روش در علوم سیاسی

سی و دو ساعت

تعداد واحد: ۲

نوع واحد: نظری

نوع درس: پایه

پیش‌نیاز: ندارد

هدف: آشنایی دانشجویان با دانش، بینش و روش سیاسی، آشنایی با شناخت مفاهیم و پدیده‌های سیاسی و قالب‌بندی بینش‌ها و روش‌ها در سیاست و روابط بین‌الملل، دسته‌بندی روش‌ها و انواع پژوهش‌ها در علوم سیاسی، گوناگونی نظریه‌ها، رهیافت‌ها و رویکردها در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، آشنایی با اصول مقدماتی طراحی طرح پژوهش یا پروپوزال.

سرفصل درس

۱. ماهیت دانش و پژوهش در علوم سیاسی
۲. ماهیت علوم انسانی و اجتماعی
۳. تمایزهای مفهومی در پژوهش سیاسی: علت، دلیل، قصد، سؤال، مسئله، فرضیه، نظریه، مفروض، پارادایم و مدل
۴. مفاهیم کلیدی تحقیق علمی: جامعه مورد تحقیق، جامعه نمونه، مفهوم، متغیر، انواع متغیرها، همبستگی، علیت، فرایند تحقیق علمی (مشکل، مسئله، تعریف مسئله، ملاک‌های ارزشیابی مسئله، فرضیه، انواع فرضیه، اندازه‌گیری، تعریف‌های مفهومی، تعریف‌های عملیاتی، سطح اندازه‌گیری، انواع نمونه‌گیری‌ها)، روش‌های جمع‌آوری اطلاعات [آزمایش، تحقیق میدانی، نظریه تأسیسی، مشاهده، پرسشنامه، نگرش‌سنجی]، تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات [کمی و کیفی]، انواع روش‌های پژوهش (آزمایشی، نیمه‌آزمایشی، همبستگی، تداومی و همخوانی، علی، پس‌رویدادی، عملی، مشارکتی، ترکیبی، مقطعی، توصیفی، تاریخی، موردی، مقایسه‌ای، نظری، بنیادی، کاربردی، ارزیابی)



فصلنامه علمی-پژوهشی

۹۸

دوره سوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۹



۵. ویژگی‌های تحقیق علمی، انواع استدلال‌ها، توصیف روش علمی، الگوهای تبیینی، نظریه و تحقیق، نظریه‌پردازی قیاسی، نظریه‌پردازی استقرایی، علیت و عینیت در پژوهش‌های اجتماعی و علوم سیاسی و روابط بین‌الملل

۶. گستره طرح‌های تحقیق (آزمایش، طولی، مقطعی، موردپژوهی)، مضمون طرح تحقیق و ابزارهای طرح تحقیق

۷. طراحی پژوهش سیاسی و استراتژی‌های چهارگانه پژوهشی: استراتژی پژوهش استقرایی، استراتژی پژوهش قیاسی، استراتژی پژوهش پس‌کاوی و استراتژی پژوهش استفهامی

۸. آشنایی با سه مدل در فرایند طرح پژوهش سیاسی: مدل اول (تعیین موضوع، عنوان‌گذاری، صورت‌بندی مسئله، طرح پژوهش، مطالعات اکتشافی، طرح فرضیه، چارچوب نظری، الگوی تحلیل)، مدل دوم (پرسش آغازی، مطالعات اکتشافی، طرح نظری مسئله تحقیق، ساختن مدل تحلیلی، مشاهده، تحلیل اطلاعات، نتیجه‌گیری)، و مدل سوم (طرح موضوع، علل انتخاب موضوع، بررسی متون موجود، سؤال اصلی، سؤال‌های فرعی، مفروضه‌ها، فرضیه‌ها، مفاهیم، متغیرها، روش تحقیق، سازماندهی تحقیق)

ب) پژوهش‌های کیفی در علوم سیاسی

بسیاری از جامعه‌شناسان و پژوهشگران عرصه علوم انسانی و اجتماعی بر این باورند که پژوهش علمی/ اجتماعی به طرز قاعده‌مندانه با تحقیق‌هایی که در حوزه علوم طبیعی و تجربی صورت می‌پذیرد متفاوت است. به‌زعم آنها، پژوهش اجتماعی یک موضوع تفسیری است که مهم‌ترین هدف آن بررسی و روشن ساختن این نکته است که چگونه بشر، حقیقت اجتماعی خود را بنیان می‌نهد. به‌هر حال یکی از تفاوت‌های عمده آن است که کمی‌گرایی، استراتژی اصلی باورمندان به تحقیق‌های کیفی نیست زیرا بر این عقیده‌اند که پژوهش‌های کمی به‌ویژه برای نشان‌دادن افکار و نیت‌های مردم نسبت به فعالیت‌ها و یا وقایع خاص و درک پیچیدگی روندهای اجتماعی در شرایط معین، مناسب و مفید نیست. (استربرگ، ۱۳۸۴: ۱۶)

به یک تعبیر، ماهیت تحقیق‌های کیفی، به طرز بنیادین با هویت تحقیق‌های کمی متفاوت‌اند زیرا روش‌های کیفی وسیله‌ای برای ارزیابی حقایق سنجش‌ناپذیر درباره افراد تحت مطالعه پژوهشگران و نیز عناصر نمایان‌گر خصوصیات شخصی آنان (همچون نامه‌ها، تصاویر، گزارش روزنامه‌ها، دفتر خاطرات و از این دست) هستند. در نتیجه، پژوهشگران می‌توانند با فنون کیفی، در فهم و درک دیگران شریک شوند و با کشف ساختار زندگی مردم، دریابند

که آنها چگونه به زندگی خود و دیگران معنا می‌دهند. (سفیری، ۱۳۸۷: ۲۷) از منظر پژوهش کیفی، واقعیتی کاملاً عینی و مستقل از محقق (در آنجا، در آن بیرون) وجود ندارد و بر ماهیت اجتماعات ساخته‌شده از واقعیت، رابطه صمیمی بین محقق و موضوع تحقیق وی و اجبارهای موقعیتی که به پژوهش شکل می‌دهد، تأکید می‌شود. بنا به این باور، پژوهشگر کیفی ضمن تأکید بر ماهیت ارزشی پژوهش، به دنبال پاسخ برای پرسش‌هایی است مبنی بر اینکه تجربه اجتماعی چگونه خلق می‌شود و چگونه معنی می‌یابد. فهم فرایند خلق و معناداری به پدیده‌های اجتماعی، مهم‌ترین وظیفه پژوهشگر کیفی است. (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۶۴)

محدودیت‌های رویکردهای کمی همواره نقطه شروعی برای استدلال به نفع تحقیق کیفی بوده است. به‌طور سنتی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، علوم طبیعی را سرمشق خود قرار داده‌اند و به گسترش روش‌های کمی و استاندارد شده توجه خاصی نشان می‌دهند. روش‌های کیفی، نوع به‌خصوصی از دانش را درباره جهان تولید می‌کند، که با دانشی که سایر روش‌های بررسی تولید می‌کنند، متفاوت است. هدف اساسی پژوهش کیفی عبارت است از: توسعه فهم و درک این مطلب که جهان چگونه ساخته می‌شود. این مفهوم دلالت بر آن دارد که ما در دنیایی اجتماعی، شخصی و منطقی بسیار پیچیده و لایه‌دار زندگی می‌کنیم که می‌توان از دیدگاه‌های مختلف به آن نگاه کرد. واقعیت اجتماعی به‌گونه کلی، چندگانه ساخته شده و به همین ترتیب از دیدگاه‌ها و مناظر گوناگون می‌توان به آن نگریست. ما دنیا را از طریق سخن گفتن، کردار، نظام‌های مفهوم و معنا، حافظه، مراسم و نهادهایی که ایجاد شده، و از طریق راه‌هایی که جهان در آن به‌گونه فیزیکی شکل گرفته است، می‌سازیم و می‌شناسیم.

برای پژوهش کیفی، پنج سنت، طبقه‌بندی شده است: شرح حال، که زندگی یک فرد را کشف می‌کند؛ پدیده‌شناسی، که ذات و جوهر تجارب درباره یک پدیده را درک می‌کند؛ تئوری زمینه‌دار، یعنی توسعه یک تئوری بر پایه داده‌های حوزه مورد مطالعه؛ قوم‌نگاری، یعنی توصیف و تفسیر یک گروه فرهنگی و اجتماعی؛ و مطالعه موردی، یعنی توسعه یک تحلیل عمیق از یک مورد واحد یا موارد چندگانه. (هومن، ۱۳۸۵: ۱۹) پژوهش کیفی، واقعیت را امری ذهنی می‌داند و بر اهمیت دیدگاه‌های چندگانه از جمله دیدگاه پژوهشگر تأکید می‌ورزد، و به‌عنوان امری استقرایی، کل‌نگر، سازه‌گرا، طبیعی‌گرا و تفسیری، مشخص و متمایز می‌گردد. روش کیفی، افزون بر اینکه یک روش تحقیق است، نگاهی ویژه به جامعه و روابط انسان‌ها دارد. روش تحقیق کیفی تلاشی است جهت توصیف غیرکمی از موقعیت‌ها، حوادث و گروه‌های کوچک اجتماعی، با توجه به



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۰۰

دوره سوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۹



جزئیات، و همچنین سعی بر ارائه تعبیر و تفسیر معانی که انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی و عادی به زندگی خود و حوادث می‌بخشند، و بر این فرض استوار است که کنش متقابل اجتماعی، کلیتی در هم تنیده از روابطی را تشکیل می‌دهد که با استقراء قابل درک است. (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۶).

روش تحقیق کیفی، ژرفانگر است، یافته‌های روش کیفی، غیرقابل تعمیم است، تحقیق با روش کیفی در محیط‌های طبیعی صورت می‌گیرند، و یافته‌های تحقیق کیفی بیشتر به توصیفی از نگرش‌ها و مفاهیم می‌انجامد. ویژگی‌های پژوهش‌های کیفی از این قرارند: استفاده از چند روش یا تکنیک (پژوهش کیفی از مجموعه‌ای از روش‌ها نظیر مصاحبه، مشاهده، تفسیر اسناد شخصی و تاریخی، تفکر عمیق درباره خود و درون‌بینی، بهره می‌گیرد)، تعاملی بودن (پژوهش کیفی فرایندی تعاملی است که از تعامل تاریخ، زندگی‌نامه، جنسیت، طبقه اجتماعی، نژاد و قومیت پژوهشگر و کسانی که در موقعیت مورد بررسی هستند، شکل می‌گیرد)، محصول کولاژگونه (کار پژوهشگر کیفی نوعی بریکولاژ است؛ محصولی پیچیده، متراکم، تأملی و کولاژگونه است که نمایانگر تصاویر، فهم و تفاسیر محقق از جهان یا پدیده مورد بررسی اوست)، و تکثر روش‌شناختی و اعمال پژوهشی متنوع (روش کیفی از نوعی تکثر روش‌شناختی بهره می‌جوید و از تکنیک‌های پژوهشی مختلف استفاده می‌کند)، همگی عبارت از: بریکولور بودن (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۶۲) تحقیق‌های کیفی هستند.

پژوهش‌های کیفی در علوم سیاسی

سی و دو ساعت

تعداد واحد: ۲

نوع واحد: نظری/ عملی

نوع درس: پایه

پیش‌نیاز: ماهیت پژوهش و روش در علوم سیاسی

هدف: آشنایی دانشجویان با تئوری، مفاهیم، ایده‌ها، ادبیات پژوهشی، تعیین چارچوب مسئله‌های پژوهش، عملیاتی کردن، مفهوم‌سازی، طراحی پروژه‌های تحقیقی، راهبردهای نمونه‌گیری و جمع‌آوری و سازماندهی اطلاعات در انواع و اقسام روش‌های پژوهش کیفی.

سرفصل درس

ماهیت و چیستی پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی و اجتماعی



۱. طراحی پژوهش کیفی: تئوری، مفاهیم، ایده‌ها، ادبیات پژوهش، تعیین چارچوب مسئله‌های پژوهش، عملیاتی‌کردن، مفهوم‌سازی، راهبردهای نمونه‌گیری، جمع‌آوری و سازمان‌دهی اطلاعات

۲. اخلاق و معیارهای اخلاقی در تحقیق کیفی: خطوط راهنما و اصول اخلاقی

۳. تحقیق کیفی از نظریه به متن: بهره‌گیری از آثار و متون منتشر شده در تحقیق کیفی، معنای ذهنی، ساختن واقعیت‌های اجتماعی، قالب‌بندی فرهنگی واقعیت اجتماعی، الگوهای ساختارگرا، رقابت پارادایم‌ها، فمینیسم و جنسیت‌پژوهی، پوزیتیویسم و برساخت‌گرایی

۴. طرح تحقیق در پژوهش کیفی: فرایند، پرسش‌ها، ورود به میدان، نمونه‌گیری، استراتژی‌های طراحی

۵. داده‌های شفاهی، مصاحبه، روایت‌ها، گروه‌های متمرکز

۶. داده‌های چندکانونی، مشاهده و قوم‌نگاری، داده‌های بصری (عکس و فیلم سینمایی و تصاویر ویدیویی)، استفاده از اسناد و مدارک به‌منزله داده، تحقیق کیفی آنلاین و بهره‌گیری از اینترنت، مردم‌نگاری، مشاهده مشارکتی، امیک و اتیک

۷. اقدام پژوهی، روش غیر واکنشی، تاریخ‌نگاری و سنت‌های شفاهی، مطالعات موردی، نظریه بازکاوی، تحلیل داستانی

۸. تحلیل محتوا: تاریخچه، مبانی مفهومی، منطق طرح تحلیل محتوا، واحدبندی، نمونه‌گیری، ضبط داده‌ها، زبان داده‌ها، سازه‌های استنباط، تکنیک‌های تحلیلی، پایایی، روایی، کاربرد کامپیوتر

۹. از متن به نظریه در تحقیق‌های کیفی: مستندسازی داده‌ها، کدگذاری، مقوله‌بندی، تحلیل

گفتگو، گفتمان و ژانر، تحلیل روایت و هرمنوتیک، قواعد تفسیر متن

۱۰. ارزیابی گزارش تحقیق کیفی، معیارهای کیفیت در تحقیق کیفی (پایایی، اعتبار، عینیت، معیارهای ارزیابی)، کیفیت تحقیق کیفی (چندبعدی‌سازی، استقراء تحلیلی، تعمیم در تحقیق کیفی، روش مقایسه دایمی)، کارکردهای نگارش تحقیق کیفی (ارائه مکتوب نتایج، کارکرد مشروعیت‌بخش، کارکرد بازاندیشانه)

پ) پژوهش‌های کمی در علوم سیاسی

گرچه رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی انباشته از کیفیت‌های گوناگون هستند ولی بیان دقیق دستاوردهای پژوهش‌های علمی سبب شده است همواره پژوهشگران این آرزوی دور و دراز را از یاد نبرند که اگر زمانی می‌شد متغیرهای کیفی را هم به عدد و رقم بیان کرد، علوم اجتماعی

چه جایگاهی که نمی‌یافت. دست‌کم، چیرگی پوزیتیویسم روش‌شناختی تا حد و حدود زیادی توانست علوم اجتماعی (به‌ویژه روان‌شناسی و اقتصاد) را به علوم دقیقه نزدیک کند، ولی هنوز راه بسیاری باقی مانده است.

فن آمار، به تعبیر کورتز، مجموعه‌ای از روش‌هاست؛ از این روش‌ها در گردآوری، توصیف و تحلیل اطلاعات عددی مربوط به جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی استفاده می‌شود. پس آمار با همان مبحث‌هایی سروکار دارد که کلیت علوم اجتماعی. ویژگی منحصر به فرد علم آمار در این است که نموده‌های عددی زندگی اجتماعی را در مرکز میدان دید خود می‌نهد و عمدتاً به پدیده‌هایی می‌پردازد که قابل شمارش، قابل اندازه‌گیری، یا قابل کمی‌یابی هستند. (کورتز، ۱۳۸۶: ۱۲) به‌دنبال کمی‌ت‌پذیر شدن داده‌های برآمده از پژوهش‌های اجتماعی، تحقیق تجربی اجتماعی به منصفه ظهور می‌رسد که به باور/اتسلندر، عبارت است از: ثبت و ضبط و تعبیر نظام‌دار واقعیت‌های اجتماعی. (اتسلندر، ۱۳۷۵: ۱۶)

در همه انواع پژوهش‌ها، موردها و یافته‌ها و داده‌ها تا آنجا که می‌شود، می‌بایست سنجش‌پذیر شوند. سنجش، متضمن اختصاص اعدادی است برای نشان‌دادن جایگاه موردها در امتداد بعد موردنظر. سنجش بر این فرض استوار است که اختصاص چنین اعدادی طبق قاعده صریحی صورت می‌گیرد که در صورت تکرار آن، منطقیاً به نتایج ثابتی می‌کشد. بنابراین، سنجش شکل خاصی از توصیف است. سنجش مانند هر نوع توصیفی فی‌نفسه هدف نیست، بلکه به تحلیل و درک داده‌ها کمک می‌کند. (مولر، شوسلر و کاستر ۱۳۸۷: ۱۴) گرچه رشته علوم سیاسی، در میان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، همچنان جنبه‌های کیفی و اقلی خود را حفظ کرده است، ولی در بسیاری از زمان‌ها (به‌ویژه در دوران کنونی) پرسش‌هایی پیش می‌آیند که پژوهشگر به‌جز آنکه در پاسخ‌گویی، به داده‌های کمی روی آورد، هیچ راه دیگری ندارد. به‌عنوان نمونه اگر از میزان رأی دهی و مشارکت سیاسی در انتخابات چندگانه مجلس شورای اسلامی در ایران پس از انقلاب اسلامی سخنی به‌میان آید و پرسشی پیش کشیده شود، پژوهشگر ابتداء به ساکن فقط می‌بایست خود را با داده‌های کمی ورزیده نماید. در پاسخ به این پرسش که میزان رضایت سیاسی مردمان هفت شهر بزرگ کشور از نمایندگانشان در شوراهای شهر چقدر است باز هم داده‌های رقمی و عددی فریادرس است. به‌ویژه هنگامی که به سنجش بینش‌ها، رفتارها و نگرش‌های سیاسی یک قوم، قبیله، نهاد مدنی، حزب سیاسی، یک روستا، یک شهر، یک دانشگاه و یک ملت در باب مفاهیمی چون عدالت، رفاه، امنیت، آزادی، رضایت،



مشروعیت، قانونمندی، کارآمدی، استقلال، وطن‌دوستی، مشارکت سیاسی، اثربخشی سیاسی و واژگانی بسیار از این دست، اقدام می‌کنیم بیان و توصیف عددی و رقمی یافته‌ها، خوانندگان را در همان مراحل اولیه خواندن یک گزارش پژوهشی، به نحوی مستوفا، مجاب می‌کند. میان این جمله که مشروعیت حاکمان سیاسی متزلزل است تا این جمله که هفتاد درصد مردان ۳۰ تا ۴۰ سال و شصت درصد زنان ۲۵ تا ۴۰ سال بر این باورند که نظام حکومتی توانسته است به نحوی موفقیت‌آمیز، امنیت را برقرار کند، تفاوت بسیار است.

پژوهش‌های کمی در علوم سیاسی

سی و دو ساعت

تعداد واحد: ۲

نوع واحد: نظری / عملی

نوع درس: پایه

پیش‌نیاز: ماهیت پژوهش و روش در علوم سیاسی

هدف: آشناسازی دانشجویان با انواع آماره‌های توصیفی، مقیاس‌های کمی، احتمالات، توزیع‌ها، رگرسیون‌ها، طبقه‌بندی متغیرها، تحلیل واریانس‌ها، نمونه‌گیری‌ها، آزمون‌های ناپارامتری، تحلیل متغیرها، آزمون‌های معناداری، مقیاس‌ها و طیف‌ها یا سنجش آماری و کاربست تکنیک‌های سنجش آماری در علوم سیاسی.

سرفصل درس

۱. اندازه‌گیری‌ها، فراوانی‌ها، داده‌ها، نما، نیمساز، میانگین‌ها.
۲. ماهیت پیمایش آماری، تهیه معرف‌ها، نمونه‌یابی، تحلیل یک متغیره، تحلیل دو متغیره، آمار توصیفی، آمار استنباطی، نمودارهای پراکندگی، تحلیل رگرسیون، کدگذاری، مقیاس‌سازی، تحلیل‌های چندمتغیره.
۳. فنون نمونه‌گیری، تصادفی ساده، نظامدار، طبقه‌ای، خوشه‌ای.
۴. انواع تحلیل‌های آماری، آزمون، تجزیه و تحلیل واریانس، آزمون‌های غیرپارامتری، آزمون‌های پارامتریک.
۵. انواع مقیاس‌ها: ترستون، لیکرت، گاتمن، بوگاردوس، هاگول، میلر، کاهل، نیل و سیمن.
۶. جامعه‌سنجی: پایگاه اجتماعی، ساختار و پویایی گروهی، معرف‌های اجتماعی، اندازه‌های



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۰۴

دوره سوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۹

ساختار سازمانی، مشارکت اجتماعی، روحیه و رضایت شغلی.

ت) تاریخ و فلسفه علم

پژوهش در تاریخ علم (به معنای تجربی و طبیعی واژه) برای علوم انسانی و اجتماعی، یک کارویژه مهم دارد. هنگامی که به اندیشه‌های علمی در متن تاریخ و فلسفه نگریسته می‌شود، بر شکاف میان علم و علوم انسانی، پل زده می‌شود. این شکاف از هر جهت تازه است، زیرا پیامد تخصص اجتناب‌ناپذیر و روزافزون در جهانی است که بیش از پیش، فنی‌تر می‌شود. فن‌ورزان معمولاً ذهنیت فلسفی منسجمی ندارند و در مقابل، کسانی که از فرهنگ عمومی بهره‌مندند، به علمی که آگاهی بسیار اندکی از آن دارند، ارج نمی‌نهند. این امر دستاوردی ناراحت‌کننده دارد. علم‌گرایان که مهارت و فن را به واسطه مهارت و فن دنبال می‌کنند، به تدریج قدرت تشخیص مسائل انسانی را از دست می‌دهند و از فهم سهم علم در اندیشه بشر ناتوان می‌مانند.

مهم‌ترین دوره‌های پیشرفت علمی در تاریخ بشریت عبارت بوده‌اند از: دوره یونانیان اسکندرانی، دوره انقلاب علمی سده هفدهم، دوره مادی‌گرایی سده نوزده و دوران نوین. نکته قابل توجه آن است که در همه این دوره‌ها، تغییرهای شگفت‌آوری در بینش فلسفی زمانه دوشادوش پیشرفت‌های فن‌آورانه پدیدار می‌شده است. به‌طور معمول، پیشرفت هر یک از رشته‌های علم، نتیجه پیشرفت در سایر رشته‌های علمی است. به یک تعبیر، گرایش علوم بر این است که با هم پیش روند یا باهم بایستند. باید به یاد داشت در هر زمان، علوم متأثر از عامل‌های کلی خارجی، به‌عنوان مثال، اوضاع و احوال فلسفی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی همان زمان است. به همین دلیل، حتی حالت‌ها و آهنگ‌های پیشرفت علوم در هر دوره به یکدیگر شباهت دارند و شایسته است پایه‌پای هم بررسی شوند. (هال، ۱۳۶۹: ۱۸)

در این معنا، علم به‌مثابه مجموعه‌ای رو به رشد و گسترش‌یابنده از دانش‌هاست؛ اما اگر پیدایش و رشد پیشرفت‌های علمی در بستری از دلایل مذهبی، فلسفی، اجتماعی یا اقتصادی رخ داد، علم با همه نوسانات تواریخ عمومی‌تر بشر درگیر خواهد شد و تاریخ علم را پدید خواهد آورد. آنچه به‌عنوان تاریخ علم خوانده می‌شود، خوانش دوباره دوران‌های پیشرفت علم در پرتو اندیشه‌های فلسفی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی روزگارهای هم‌زمان آنهاست، عملی که به‌صورت معکوس نیز، قابل مطالعه و پیگیری است. پیدایش علم در مصر و بابل، بیدار شدن فکر علمی در یونان قدیم، کارویژه علم در عصر چیرگی رومیان، چیرگی قدرت مطلق منطق ارسطویی بر عقول مردمان قرون وسطی، تجدد ادبی و هنری ایتالیای رنسانس،



قرن دکارت، قرن نیوتن، و قرن نوزدهم به مثابه دوران پیروزی علم، همگی دستاورد پرسش و پاسخ‌هایی بوده‌اند که از ماهیت و منشأ معرفت سرچشمه می‌گرفته است.

نیک می‌دانیم که به طرز قاعده‌مندانه، پاسخ‌ها، بیشتر از پرسش‌ها، خصلت تاریخی یافته‌اند. بنابراین درست‌تر آن است که تاریخ علم را تاریخ معرفت‌شناسی‌ها نیز تلقی کنیم زیرا در آن، در عین حال، اعتماد به ادعاهای معرفتی نیز سنجیده می‌شود. به تعبیر برنال، روشن است که هر یک از مراحل تاریخ علم، همراه و وابسته به یکی از تحولات اجتماعی و اقتصادی است. علوم یونان، ظهور و سقوط جامعه عصر آهن را که پول و برده‌داری بر آن حاکم بود، منعکس می‌کند. مشخصه فترت طولانی قرون وسطی، رشد و بی‌ثباتی اقتصاد معیشتی فئودالی است که اعتنایی به علم ندارد و تا زمانیکه نضج بورژوازی، زنجیر نظام فئودالی را نگسست، علم قدمی به پیش برنداشت. سرمایه‌داری و علوم جدید زاده یک نهضت‌اند. مراحل تکامل علوم جدید، بحران‌های متوالی اقتصاد سرمایه‌داری را نشان می‌دهد. دو مرحله از این مراحل، مقارن با جنگ‌ها و نخستین موفقیت‌های سرمایه‌داری و استقرار آن به‌منزله اقتصاد حاکم در هلند و بریتانیا بود. سومین مرحله در نظام کارخانه‌ای و کارخانه‌داری که خبر از پیروزی سرمایه‌داری مترقی و متحد با علم می‌داد، جلوه‌گر شد. زمانیکه مرحله آخر فرارسید، رشد سرمایه‌داری طول و تفصیلش از حد گذشته بود، و نظام جدید سوسیالیسم علناً، برای در اختیار گرفتن نیروی بی‌چون و چرای علوم، سرسختانه می‌کوشید جای آن را بگیرد. (برنال، ۱۳۵۴: ج ۱، ۸)

تنها بیان یک نمونه تاریخی کافی است تا نشان داده شود علم در بستر تاریخ است که در کنار سایر پدیده‌ها، معنادار و شناخته می‌شود. در دستگاه علمی ارسطویی، هشت فلک (و سپس بعدها ده فلک) شناخته شده بود. فراسوی فلک دهم، ملکوت یا عرش خدا و مقر کروبیان بود. این تصویر از عالم، که برای انسان نو، بسی عجیب و سخره‌آمیز به نظر می‌آمد، هم با اندیشه‌های کلامی و هم با فهم عرفی آن دوران کاملاً همگونی داشت. در کلام، برای خداوند و ارواح انسان‌های رستگار جایگاه ویژه‌ای تعبیه شده بود و به فرشتگان در سازوکار آسمان‌ها نقشی واگذار شده بود. به علاوه، این نظام بهتر از هر نظام دیگر می‌توانست با نگرش عملی آدمیان به عالم، آنگونه که آسمان را در شبانگاهان از روستاها و شهرهای کوچک‌شان نظاره می‌کردند، همگن باشد. برای آنان کاملاً بدیهی می‌نمود که زمین صلب و سنگین و غول‌آسا، ساکن باشد و اجرام آسمانی اثری سبک، پیرامون آن حلقه زده باشند. (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۳) اما شرط ضروری نگارش تاریخ علم، تعیین حد و مرز فلسفه علم است.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۰۶

دوره سوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۹



جان‌لازی از چهار معنای فلسفه علم سخن به میان آورده است: صورت‌بندی و تنسيق جهان‌بینی‌هایی که با نظریه‌های علمی مهم سازگار و از برخی جهات بر آنها مبتنی هستند؛ نمایاندن و ظاهر ساختن پیش‌فرض‌ها و تمایلات باطنی دانشمندان، تحلیل و تشریح مفاهیم و نظریه‌های علمی و نوعی معیارشناسی جنبی برای پاسخ به چهار پرسش: یک) چه مشخصه‌هایی، تحقیق علمی را از سایر انواع پژوهش متمایز می‌سازد؟ دو) دانشمندان در مطالعه و بررسی طبیعت چه روش‌هایی را باید اتخاذ کنند؟ سه) برای آنکه یک تبیین علمی صحیح باشد چه شرایطی باید احراز گردد؟ چهار) قوانین و اصول علمی از نظر شناسایی یا معرفت‌بخشی چه مقام و موقعی دارند؟ (لازی، ۱۳۶۲: ۱-۳) بنابراین اگر واقعیات در مرتبه صفر، و علم با موضوع تبیین واقعیات در مرتبه یک قرار گرفته باشند، فلسفه علم با موضوع تحلیل روش‌ها و منطق تبیین علمی در مرتبه دوم قرار می‌گیرد. رایشنباخ از قلمرو به خوبی تعریف نشده فلسفه علم سخن می‌گوید که می‌تواند مبتنی بر ده زمینه باشد: مسائل ادراک حسی، تاریخ‌اندیشه‌ها و مفاهیم علمی، پیامدهای اخلاقی و دینی علم، پیامدهای مابعدالطبیعی علم، کوشش‌هایی برای وضع زبانی مشترک برای همه علوم، توجیه استقراء، فلسفه زبان و ریاضیات، نظریه تعریف، شأن قوانین و نظریه‌های علمی، و ارتباط علوم طبیعی و اجتماعی. (رایشنباخ، ۱۳۷۱: ۲۸)

به نظر می‌رسد در فلسفه علم، کار اصلی این باشد که روش‌های تحقیق مورد استفاده در علوم گوناگون بررسی گردند. بدون شک کار یک فیلسوف علم جالب و جذاب است زیرا نگاه کردن به علم از منظر فلسفه به ما امکان می‌دهد ژرف‌کاوی کنیم و از مفروضات پنهان پژوهش علمی پرده برداریم؛ مقصود مفروضاتی هستند که دانشمندان درباره آنها مستقیماً بحث نمی‌کنند، (اکاشا، ۱۳۸۷: ۱۴) زیرا آنها را پس از آزمایش‌های بسیار، مفروض و بدیهی تلقی نموده‌اند. ولی به زعم فیلسوف علم چرا باید تصور کنیم آن فرض، فرض بدیهی و صحیحی است؟ شناسایی مفروضات دانشمندان در بستر تاریخی، کار تاریخدان علم، و مورد پرسش قرار دادن بدیهیات متصور عالمان، کار فیلسوف علم است. از یاد نبریم که لاکاتوش زمانی گفته بود فلسفه علم بدون تاریخ علم تهی است؛ تاریخ علم بدون فلسفه علم نابیناست. (کاپالدی، ۱۳۷۷: ۱۱)

تاریخ و فلسفه علم

سی و دو ساعت

تعداد واحد: ۲

نوع واحد: نظری

نوع درس: پایه

پیش‌نیاز: ندارد

هدف: آشنایی دانشجویان با سیر تاریخی پیشرفت علم در بسترهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی، آشنایی با پیوند میان پیشرفت‌های فن‌آورانه با عقاید فیلسوفانه و هستی‌شناسانه، آشنایی با تاریخ‌اندیشه علمی از دوران باستان تا عصر معاصر، و آشنایی با ماهیت فلسفی پژوهش‌ها و روش‌های علمی و تحلیل و تشریح مفاهیم، نظریه‌ها و تبیین‌های علمی.

سرفصل درس

۱. علم در جهان باستان: بابل، مصر، هند، یونان، ایران، چین.
۲. علم و پیشرفت فکری در نیمه اول و دوم سده دوازدهم میلادی: زمینه دینی، قلمرو مسیحیت، مکتب اسلامی، احیاء دانش در اروپا، زمینه فلسفی، مترجمان، ریاضیات و نجوم، فیزیک و شیمی و جغرافیا، طب، تاریخ طبیعی، تاریخ‌نویسی و حقوق، انحطاط فلسفه مدرسی.
۳. علوم و پیشرفت فکری در سده سیزدهم میلادی، زمینه دینی، بنیان‌های فلسفی، پیشرفت انواع علوم، سرچشمه‌های نوزایی، پیدایش تدریجی فکر اصلاح دین.
۴. علوم و پیشرفت فکر و فناوری در سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی: زمینه عمومی، نهضت‌های فرهنگی، اصلاح دینی، اصلاح کلیسا، مسیحیت شرقی، ریاضیات و نجوم، فیزیک، نور، شیمی، جغرافیا، پیشرفت‌های پزشکی و گیاه‌شناسی و کالبدشناسی، عصر ظهور فیزیک و اخترشناسی نوین.
۵. پیشرفت دانش بشری در سده‌های شانزده تا بیست میلادی: اصول مکانیک آسمانی و فیزیک نیوتون، روش علمی فرانسویس بیکن، پیدایش تجربه‌گرایی، هندسه و ریاضیات نوین، فرضیه‌های مربوط به نور، موج‌بیت علی و مادگیری، شک‌گرایی فلسفی، نظریه‌های نوآورانه در شیمی و زیست‌شناسی، تحولات در فیزیک اتمی، کشف بیماری‌ها و راه‌های درمان آن، نظریه تنوعات زیست‌شناختی و انقلاب علمی در قرن معاصر
۶. آشنایی با مبانی استقراگرایی روش‌شناختی: زمینه‌های تاریخی، راسل و مکتب کمبریج و حلقه وین و پوپر اولیه
۷. رابطه مشاهده و نظریه: کارنپ، نویرات، پوپر، دوئم
۸. ابطال‌گرایی و اثبات‌گرایی: تعریف و توصیف و محدودیت‌ها، مناظره دوئم - گوبین



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۰۸

دوره سوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۹

۹. پوزیتیویسم روش شناختی: مابعدالطبیعه و علم

۱۰. نظریه به مثابه ساختار: برنامه‌های پژوهشی لاکاتوش، پارادایم‌های تامس کوهن

۱۱. معقول‌گرایی و نسبی‌گرایی و آفاقی‌گرایی

۱۲. واقع‌گرایی و معرفت‌شناسی نظم‌گريزانه

ث) فلسفه علوم اجتماعی

فلسفه علوم اجتماعی، مطالعه منطق و روش‌های علوم اجتماعی است که علوم سیاسی به یکی از شاخه‌های جالب توجه آن تبدیل شده است. در فلسفه علوم اجتماعی پرسش‌هایی اساسی طرح می‌شود که برخی از آنها از این قرارند: ملاک‌های تبیین اجتماعی معتبر چیست؟ ملاک و معیارهای تمایز علوم اجتماعی از علوم طبیعی کدام‌اند؟ آیا روش یا روش‌های جداگانه‌ای برای پژوهش اجتماعی وجود دارد؟ به مدد کدام یک از روش‌های پژوهش تجربی می‌توان ادعاهای علوم اجتماعی را ارزیابی نمود؟ آیا قوانین اجتماعی تعمیم‌یافته و تقلیل‌ناپذیر وجود دارد؟ آیا میان پدیده‌های اجتماعی پیوندهای علیتی وجود دارد یا ارتباط‌های دالی؟ نقش نظریه در تبیین اجتماعی چیست؟ آیا واقعیت‌ها و ضوابط اجتماعی مستلزم نوعی تقلیل واقعیت‌ها به امور فردی است؟ به نظر می‌رسد هدف فلسفه علوم اجتماعی فراهم کردن تفسیری از علوم اجتماعی است که به این پرسش‌ها، پاسخ دهد. هدف فلسفه علوم اجتماعی، عبارت از فهم و درک مسئله اجتماعی است که می‌تواند به تعبیر لوزیک، غلط‌انداز، مشکل‌زا، شایع و قابل تغییر باشد. (لوزیک، ۱۳۸۳: ۲۵)

اینکه بگوییم علم اجتماعی چیست؟ (و یا علوم سیاسی چیست؟) پرسشی اساساً و خصلتاً فلسفی طرح نموده‌ایم که در آن به بررسی فرض‌ها و پیش‌فرض‌های عرصه‌ای از فعالیت‌های انسانی پرداخته می‌شود. اما به هر جهت در اینکه آیا علوم اجتماعی، علمی واقعی‌اند یا خیر کشاکش همچنان ادامه دارد. اما یک نکته حایز اهمیت است: این علوم، اجتماعی‌اند به این معنی که پدیده‌های مورد بررسی آنها، پدیده‌هایی قصدی‌اند، و بنابراین باید بر حسب معانی‌شان شناخته شوند. ثانیاً، این علوم، علوم‌اند، به این معنا که تلاش می‌کنند نظریه‌های نظام‌مندی بیوروند تا تعاملات علی اساسی را میان پدیده‌هایی که از نوع کاملاً متفاوتی‌اند، تبیین کنند. (تریگ، ۱۳۸۶: ۱۴)

رابطه میان فلسفه و علوم اجتماعی می‌تواند دوگونه باشد: از یکسو، از آنجا که فلسفه و فلاسفه توانسته‌اند بنیادی‌ترین حقایق را راجع به ما انسان‌ها و ماهیت جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم و نیز قواعد رسیدن به چنین شناختی را وضع کنند، نوعی ویژگی پایه‌گذارانه و استادی نسبت به تمامی علوم دیگر یافته‌اند؛ اما، از دیگر سو، دیدگاه بدیل، از پیوند شاگردی





و پادویی (بنتون و کرایب، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۶) میان فلسفه و علوم اجتماعی سخن می‌گوید. در این دیدگاه پذیرفته شده است که تفکر بی‌عمل، یا برج عاج‌نشینی، در کار جهان نمی‌تواند شناخت معین یا معتبری به ما بدهد. شناخت فقط از دل تجربه عملی، مشاهده و آزمایش منظم می‌تواند بیرون آید و کار فلسفه، در این دیدگاه این است که آماده باشد به کمک دانشمندانی بشتابد که در پی کشف طرز کار طبیعت و انکشاف رفتارهای اجتماعی انسان‌ها هستند. نهایت آن است که این گمان را باور داشته باشیم که باید موازین و معیارهای تفسیر و فهم را که در علوم طبیعی به کار می‌رود بدانیم تا بتوانیم ارزیابی متوازنی از کامیابی‌ها و دشواری‌های علوم اجتماعی به دست آوریم. (راین، ۱۳۶۷: ۲)

یک فیلسوف علوم اجتماعی، به طرز قاعده‌مندانه، در مرز میان تحقیق تجربی و تحلیل محض فلسفی قرار می‌گیرد و از اینکار، دو هدف در سر می‌پروراند: یکی، عمیق‌تر کردن درک فلسفی ما از علوم اجتماعی به مدد بررسی دقیق نمونه‌های واقعی پژوهش و تئوری‌پردازی در این علوم، و دیگری فراهم آوردن پایه‌ای برای پیشرفت در علوم مذکور به مدد مهیا کردن اندیشه‌های اصلی تئوریک و تحلیل دقیق آنها. (لیتل، ۱۳۷۳: ۳) در باب تبیین اجتماعی سه رأی مهم وجود دارد: هر تبیین اجتماعی می‌باید؛ ۱. بر عللی انگشت بنهد؛ ۲. می‌باید از تحلیل فرایند تصمیم‌گیری فاعلان خردمند آغاز کند؛ ۳. و می‌باید تفسیری از ارزش‌ها، هنجارها و جهان‌بینی‌های خاص هر فرهنگ در دست داشته باشد. شاید بتوان گفت فلسفه علوم اجتماعی بر حول چهار محور مناقشه‌انگیز بسط یافته و پروار شده است: مناقشه درباره هدف معرفت اجتماعی و فرهنگی، مناقشه درباره خواص و ویژگی‌های پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی، مناقشه درباره روش‌های درک و فهم پدیده‌های اجتماعی، و مناقشه درباره قلمرو مسائل فرهنگی و اجتماعی.

فلسفه علوم اجتماعی

سی و دو ساعت

تعداد واحد: ۲

نوع واحد: نظری

نوع درس: پایه

پیش‌نیاز: ندارد

هدف: آشنایی دانشجویان علوم سیاسی با جنبه‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی علوم اجتماعی و کسب نگاهی عالمانه و اشراف‌جویانه به ماهیت روش‌های بررسی و پژوهش

موجود در علوم اجتماعی.

سرفصل درس

۱. فلسفه و علوم اجتماعی: توضیح و تبیین انواع نظریه‌ها و شناخت تئوری‌های پیوند میان فلسفه و علوم اجتماعی؛
 ۲. تجربه‌گرایی و پوزیتیویسم در علوم اجتماعی و نقد آراء آنها؛
 ۳. علم و طبیعت و جامعه و بدیل‌های تجربه‌گرایی: مارکس، وبر، مرتن، جامعه‌شناسی علم، معرفت‌شناسی تاریخی، مارکسیسم ساخت‌گرا، رویکردهای عقلانی و عقلانیت ابزاری؛
 ۴. فرهنگ و سنت و هرمنوتیک: وینچ، مک‌اینتایر، گادامر، زبان‌شناسان؛
 ۵. عقلانیت انتقادی: هگل و مارکس و دیالکتیک، روشنگری، ایدئولوژی، هابرماس و امکان پدیداری علم‌رهایی‌بخش، رئالیسم انتقادی؛
 ۶. عینیت و جامعه‌شناسی شناخت، شناخت فرد و سوژکتیویته، مبانی فلسفی علوم اجتماعی از رئالیسم انتقادی، تانوپوزیتیویسم و پست‌مدرنیسم، تحلیل‌گفتمان و علوم اجتماعی؛
 ۷. فلسفه نظریه‌های کلاسیک و مدرن علوم اجتماعی: مارکس، دورکیم، زیمل، وبر، پارسونز، سامنر، مید، مکتب شیکاگو، پساساختارگراها، مکتب فرانکفورت، هابرماس، گیدنز، بوردیو، فوکو، دریدا، لیوتار، بودریار، باومن، فمینیسم، تیلور، والزر، رلز، رز، کیملیکا
 ۸. سنت هرمنوتیک و علوم اجتماعی: هرمنوتیک یونان، هرمنوتیک فلسفی آلمان، پدیدارشناسی، اگزیستانسیالیسم، هرمنوتیک فلسفی قاره‌ای گادامر و هابرماس و ریکور و دریدا و گرتز
 ۹. سنت تبارشناسی و علوم اجتماعی: نیچه و فوکو
 ۱۰. نظریه انتقادی و علوم اجتماعی: کانت، هگل، مارکس، لوکاخ، مکتب فرانکفورت، هورکهایمر، آدورنو؛
 ۱۱. مدل‌های تبیین در علوم اجتماعی: تحلیل علی، نظریه اختیار عاقلانه، نظریه تفسیر، تبیین ساختاری و فونکسیونالیستی، تبیین ماتریالیستی، تحلیل آماری، فردگرایی و کثرت‌گرایی روش‌شناختی؛
 ۱۲. علوم اجتماعی و اسلام یا اسلامی‌کردن علوم اجتماعی: گنجاندن وحی در منابع معرفتی جامعه‌شناسی و ضرورت التزام به مکتب مبتنی بر توحید اسلامی
- ج) آیین نگارش مقاله‌های علمی در علوم سیاسی**
- منظور از هر شرح، گزارش یا نوشته‌ی جدی و واقعی، این است که زمانی برای کسی مؤثر افتد؛



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۱۱

بنیان‌گذاری گروه
درس‌های ...



بنابراین باید خواست‌های آن شخص را برآورده کند. این خواست‌ها عبارت‌اند از: آیا این شرح، درست، معتبر، یا کامل است؟ آیا روشن، منظم و سهل‌الوصول است و به آسانی به یاد می‌ماند؟ همه ابزارها و شیوه‌هایی که پژوهشگر تحت عنوان روش باهم ترکیب می‌کند برای این منظورند که این نیازها را برآورده کنند. پس از پایان مرحله تجزیه و تحلیل و ارزیابی فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری و ارائه نظر و پیشنهاد، کار تحقیق و فرایند آن به پایان رسیده و پاسخ سؤال تحقیق معلوم و مجهول نیز حل شده است. ولی نباید فرایند تحقیق علمی را در اینجا خاتمه یافته تصور نمود؛ زیرا محقق باید حاصل زحمات طاقت‌فرسای خود را تنظیم و تدوین نموده و به رشته تحریر درآورد تا به‌عنوان یک سند علمی در حوزه معرفتی مربوط، ثبت و ماندگار شود و دستاوردهای جدید علمی نیز به‌نام او در ادبیات رشته علمی به ثبت برسد. علاوه بر آن، از طریق تدوین و نگارش گزارش تحقیق می‌تواند دیگران را از حاصل کار خود مطلع نماید و آنها از طریق این گزارش با تازه‌ها و دستاوردهای جدید علمی آشنا شوند و روش‌ها و تکنیک‌های کار او را در مراحل مختلف فرایند تحقیق مشاهده کنند و در صورت لزوم نسبت به بررسی و نقد آن اقدام نموده و به تکمیل نتایج او کمک نمایند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۶۲)

به تعبیری، حلقه‌های یک پژوهش عبارتند از: مسئله، انجام پژوهش، تولید دانش نو، ساده‌نویسی و اشاعه یافته‌های پژوهشی، به‌کارگرفتن نتایج پژوهشی و کمک به جنبه‌های کاربردی. (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۷: ۳۱۴) مقاله نوشتاری کوتاه از یک تاسی صفحه یا فصلی از یک کتاب است که نویسنده در آن، دیدگاه‌ها، یافته‌ها و تجربه‌های ذهنی خود را درباره یک موضوع به بحث می‌گذارد. امروزه، بنا به یک روایت درست و معتبر، مقاله‌های دانشگاهی تقریباً در همه شاخه‌های علمی، یگانه مرجع اصیل دانش و آگاهی به‌شمار می‌روند و در روزگار ما، مقاله به یک رسانه آموزشی مهم بدل شده است، به گونه‌ای که پژوهشگران و دانشگاهیان از این فرم نوشتاری برای انتشار دستاوردهای پژوهشی و علمی و یا مقاصد آموزشی و انتقال دانش استفاده می‌کنند. همچنین احاطه علمی و سطح دانش و دریافت افراد را براساس نوع مقاله‌های آنها ارزیابی می‌کنند.

گاه نیز نگارش مقاله علمی / پژوهشی یکی از معیارهای گزینش دانشجویان در مقطع تحصیلی بالاتر به‌شمار می‌رود و نهایتاً اینکه در رده‌بندی دانشگاه‌ها، میزان مقاله‌های منتشر شده استادان و نوع آنها حایز اهمیت است. (فتوحی ۱۳۸۵: ۷۷) یک مقاله علمی با کیفیت می‌بایست ویژگی‌های به‌هم پیوسته‌ای را دارا باشد: مرتبط بودن مطالب و کامل بودن به این معنا که تمام



موضوعات مطرح شده‌اند، استدلال‌ها و بحث‌ها در کلیت متن مرتبط هستند، منابع و مراجع ادبیات تحقیق آورده شده‌اند، منطق و پیوستگی بین استدلال‌ها رعایت شده است؛ برخوردار از یک سازمان منسجم به این معنا که مقاله از یک ساختار شفاف مفهومی برخوردار است، عنوان‌ها و زیر عنوان‌های مناسب، صحیح و مرتبطی به کار برده شده‌اند، نظام ارجاع‌دهی با ثبات و مناسب است؛ برخوردار از یک محوریت تحقیقی در کلیت و ترکیب مقاله به این معنا که تفکر خلاق، ترکیب و استدلال، ظهور و بروز دارد، دقت فکری درباره‌ی عنوان اصلی دیده می‌شود، مفاهیم مرتبط به نحو مناسبی تحقیق شده‌اند، استدلال‌ها و اثبات‌ها به وسیله‌ی مدارک و مستندات یا ارجاعات پشتیبانی شده‌اند، شواهد کافی برای فهم موضوع وجود دارد، ادبیات تحقیق مورد نقد و تحلیل قرار گرفته‌اند، ارتباط لازم بین ادبیات تحقیق و موضوع مورد تحقیق مقاله ارائه شده است. یک مقاله علمی، ساختاری استدلالی دارد و حاصل پژوهشی نوین است که محقق آن را به‌طور شخصی انجام داده است.

یک مقاله پژوهشی باید دارای بخش‌های مشخصی چون مقدمه، هدف، روش، بحث، نتایج و پیشنهادها باشد. راز موفقیت یک مقاله علمی، انسجام و چارچوب منطقی آن است. برای اینکه یک نوشتار علمی، سازمان‌یافته و منطقی باشد باید گام‌به‌گام، مراحل یازده‌گانه‌ای را با دقت اجرا نمود: انتخاب مسئله تحقیق، شناسایی و جستجوی منابع، تنظیم طرح و فرضیه، یادداشت‌برداری، رده‌بندی/تنظیم یادداشت‌ها برای تهیه ساختار کلی، نوشتن سرفصل‌ها، تنظیم ساختار کلی مقاله براساس سرفصل‌ها، نگارش پیش‌نویس متن براساس یادداشت‌های هر فصل، مستندسازی نقل قول‌ها و ارجاع‌ها در درون متن و در پی نوشت‌ها، تدوین کتاب‌شناسی منابع و مآخذ، و بازخوانی / اصلاح / پاک‌نویس نهایی مقاله. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۸۹) چنین مقاله‌ای پس از نگارش، نیازمند ویرایش فنی و محتوایی است؛ زیرا نقل قول‌های بی‌خاصیت و حجم‌افزا، تفنن‌های ذوقی بیجا، تعارف و مجامله، ارزش‌دواری‌های بی‌بنیاد یا متعصبانه از وزن و اعتبار مقاله تحقیقی می‌کاهد. ردیف کردن شواهد بی‌آنکه مقرون به تحلیل و نتیجه‌گیری منطقی و معقول یا مفهوم‌پردازی باشد، تحقیق شمرده نمی‌شود. تکرار حرف دیگران، هر چند در قالبی دیگر، مثل نقل معانی اشعار به نثر، لطفی ندارد، به‌ویژه که معانی عموماً در اشعار، موجزتر و خوش‌تر به بیان در می‌آید. (سمیعی‌گیلانی، ۱۳۸۵: ۲۵)

ارزش مقاله تحقیقی به آن است که راه تازه‌ای بگشاید یا راه موجود را هموارتر سازد و یا آن را ادامه دهد و به افق‌های تازه‌ای بکشاند. یک دانشجوی دوره کارشناسی علوم سیاسی

می‌بایست دست‌کم بتواند از میان انبوهی از مطالب و داده‌ها که می‌خواند و فرامی‌گیرد به نگارش یک مقاله دست بزند؛ زیرا هم در آینده شغلی او و هم در آتیۀ تحصیلی‌اش بسی کارساز و مفید است.

آیین نگارش مقاله‌های علمی در علوم سیاسی

هجده ساعت

تعداد واحد: ۱

نوع واحد: عملی

نوع درس: پایه

پیش‌نیاز: ندارد

هدف: آشنایی دانشجویان با شیوه‌ها و ویژگی‌های کلی نگارش یک مقاله علمی / پژوهشی و رعایت قواعد استاندارد نگارش و ویرایش متن یک مقاله علمی.

سرفصل درس

۱. مقاله چیست؟ توصیف مقاله، معانی و محتوا، انواع مقاله‌ها (گردآوری، دانشنامه‌ای، پژوهش تجربی، مروری، نظری)
۲. مراحل تدوین مقاله: مسئله تحقیق، جستجوی منابع، رده‌بندی منابع، روش جستجوی منابع، انتخاب روش تحقیق، تهیه طرح و فرضیه، یادداشت‌برداری، تنظیم و طبقه‌بندی یادداشت‌ها، تنظیم ساختار مقاله.
۳. ساختمان مقاله پژوهشی: برگه رویه، عنوان، چکیده، کلیدواژه، مقدمه، معرفی روش تحقیق، بدنه نوشتار، پاراگراف‌بندی، نتیجه‌گیری، بخش قدردانی، نقل قول‌ها، ارجاع‌نویسی، پانویس و پی‌نوشت، کتاب‌شناسی (کتاب، کتاب‌های مرجع، آثار ادبی / هنری، گزارش، اسناد دولتی، منابع الکترونیک، منابع غیرچاپی، منابع دیداری / شنیداری، ارتباط‌های شخصی، مراجع لاتین).
۴. زبان و معانی: انواع زبان، زبان نوشته، خصایص بلاغی زبان، راه‌های پروردن معانی (تعریف، توصیف، استدلال، استشهاد، مقایسه، تقسیم‌بندی، مکالمه و مناظره)
۵. ویرایش: توصیف و معانی و انواع، ویرایش زبانی، ویرایش فنی (شیوه‌املاء، نشانه‌های فصل و وصل، آوانویسی، حرف‌نویسی، اعراب‌گذاری، پانویس، ارجاعات، کتاب‌شناسی، جدانویسی و سرهم‌نویسی، اعداد و ارقام، ضبط اعلام، جدول، شکل، نمودار، نقشه، فهرست



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۱۴

دوره سوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۹

راه‌نما، واژه‌نامه، نمایه، شرح اعلام و اصطلاحات، فهرست مندرجات، فهرست تفصیلی، علایم و رمزهای مربوط به ویرایش و چاپ).

چ) آشنایی با منابع کتابخانه‌ای و روش‌های جستجو در اینترنت (مهارت‌های اطلاع‌یابی)

کتابخانه برای ارائه خدمات به استفاده‌کنندگان به استفاده‌کنندگان به وجود آمده است. کتابداران نه فقط برای استفاده‌کنندگان بالفعل و برنامه‌های جاری، که برای استفاده‌کنندگان بالقوه کتابخانه است که به گزینش و گردآوری منابع، بدون در نظر گرفتن شکل آن منابع، اقدام می‌کنند. سپس آنها را سازماندهی می‌کنند و در حفظ و نگهداری آنها می‌کوشند. در حقیقت اگر منابع، گردآوری و سازمان‌دهی نشود، و دانش و اطلاعاتی در کتابخانه وجود نداشته باشد یا قابل دسترسی و دستیابی نباشد، نه خدمات کتابخانه امکان‌پذیر می‌شود و نه می‌توان به آن مکان نام کتابخانه را اطلاق کرد. در فرایند اطلاعات و دانش موجود، نقش کتابخانه عبارت از: فراهم‌آوری، سازمان‌دهی، نظارت بر منابع و تدارک انواع خدمات براساس منابع و مآخذ موجود است. در واقع، کتابخانه میانجی میان دنیای اطلاعات و جامعه‌ای خاص است که به خدمت آن همت می‌گمارد. اکنون کتابخانه‌ها سه خدمت عمده برای جامعه‌هایی که در خدمت آنها هستند انجام می‌دهند: ارائه و تحویل مدرک، پاسخ‌گویی و جستجوی متون. (لنکستر، ۱۳۶۶: ۱۱) یکی از مراحل عمده هر طرح پژوهشی عبارت از: مطالعه منابع مربوط به موضوع مورد پژوهش است. در این مرحله است که به شرط درستی و صحت در رجوع به منابع گوناگون اطلاعاتی، پژوهشگر به بینشی عمیق در زمینه موضوع مورد پژوهش دسترسی می‌یابد.

مرور متون موجود و رجوع مکرر به منابع معرفت و دانش به همراه تبادل نظر با همکاران و ارتباط با دیگران در کلیه مراحل پژوهش، در هر تحقیقی، نشان می‌دهد که محققان ناچارند به‌طور مکرر در جستجوی منابع اطلاعاتی باشند. هنگامی که از محقق خواسته می‌شود که در طرح تحقیقی خود به پیشینه پژوهش یا ادبیات و آثار موجود در زمینه پژوهش در دست انجام، اشاره نماید منظور آن است که رجوع مکرر به انواع اطلاعاتی از هفت جهت به کمال طرح تحقیقی پژوهشگر کمک کند: مشخص کردن محدوده موضوعی تحقیق، برقراری پیوند میان پژوهش‌های قبلی و فعلی، محدود کردن پرسش‌ها و مشخص ساختن مفاهیم عمده پژوهش، روشن ساختن نکات و نتایج متضاد در تحقیقات گذشته در یک حوزه تخصصی، شناسایی روش‌های کارآمد و ناکارآمد در پژوهش‌های پیشین، جلوگیری از دوباره‌کاری و تکرار تحقیق‌های گذشته و توانا ساختن پژوهشگر در تفسیر اهمیت نتایج به‌دست‌آمده از



پژوهش. مهارت‌های اطلاع‌یابی را می‌توان اینگونه در شمار آورد: مهارت بازیابی اطلاعات شامل شناخت منابع اطلاعات، مهارت در استراتژی‌های جستجو، توان استفاده از نمایه‌نامه‌ها، توان استفاده از چکیده‌نامه‌ها؛ مهارت ارزیابی اطلاعات شامل دانش انتخاب اطلاعات، و دانش ارزیابی اطلاعات؛ مهارت سازمان‌دهی اطلاعات شامل مهارت در یادداشت‌برداری از کتاب‌ها، نشریه‌ها و تمامی منابع چاپی / غیرچاپی و مهارت در ذخیره‌سازی فردی اطلاعات؛ تبادل اطلاعات یا توانایی علمی نویسی. این مهارت‌ها را، سواد اطلاعاتی گویند. (داورپناه، ۱۳۸۲: ۸)

آشنایی دانشجوی علوم سیاسی با شیوه بهره‌گیری از داده‌های نشریه‌ها، کتاب‌ها، واژه‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، دانشنامه‌ها، دستنامه‌ها، نمایه‌نامه‌ها، چکیده‌نامه‌ها، سالنامه‌ها، کتاب‌شناسی‌ها، نمایه‌نامه‌های استنادی، پایان‌نامه‌ها، و فهرست‌های برگه‌ها سبب می‌شود هم با توان فکری بالاتری اقدام به پژوهش کند و هم وسعت و گسترده‌ی عجیب و عظیم رشته‌ی خود را بشناسد. در این زمینه، شبکه جهانی اینترنت دنیای با عظمتی است که ماهیت و شیوه پژوهش را تغییر داده است. در عرصه علوم سیاسی، اینترنت به دو شکل خود را بروز داده است: از یکسو، اینترنت به شکلی فزاینده به وسیله نهادهای سیاسی متعارف همانند دستگاه‌های دولتی و احزاب سیاسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ و از دیگر سو، ارتباطات اینترنتی سبب ظهور اشکال جدیدی از سازمان‌ها و تعاملات سیاسی (بالکر و دولوویتز، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۲) شده است. از منابع بسیار وسیع موجود در اینترنت مانند پایگاه‌های داده‌ها و بایگانی‌ها، منابع کتابخانه‌ای الکترونیکی، مجله‌ها، خدمات مربوط به اسناد، کتابفروشی‌های اینترنتی، پایگاه‌ها و بایگانی‌های آمار و داده‌ها، اطلاعات مربوط به دولت‌ها و احزاب سیاسی و نهادهای مدنی، منابع رسانه‌ای، رادیو و تلویزیون، اخبار رسانه‌ها، روزنامه‌های اینترنتی، مجله‌های خبری اینترنتی، سرویس‌های خبری اینترنتی، وبلاگ‌ها، وبسایت‌ها، پست‌های الکترونیک، لیست سروها، یوزنت‌ها و موتورهای جستجوگر می‌توان اطلاعاتی بسیار مفید و فراوان درباره انتخابات، احزاب سیاسی، نخست‌وزیران، رهبران کشورها، نخبگان سیاسی، پارلمان‌ها، قوای مجریه و قضائیه و مقننه، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های جهانی، پژوهش و آموزش سیاسی و تمامی فرایندهای سیاسی دریافت نمود. پایگاه‌هایی که این اجازه را به کاربران می‌دهند که به صورت مجانی و تمام متن از پژوهش‌های موجود در دنیای مجازی استفاده کنند به همراه نشریات الکترونیکی و انواع پایگاه‌های هم‌پیوند با داده‌های دنیای سیاست، اکنون دنیای دیگری را بر روی دانشجویان و پژوهشگران عرصه سیاست باز کرده‌اند.



آشنایی با منابع کتابخانه‌ای و روش‌های جستجو در اینترنت (مهارت‌های اطلاع‌یابی)

هجده ساعت

تعداد واحد: ۱

نوع واحد: عملی

نوع درس: پایه

پیش‌نیاز: مبانی کامپیوتر

هدف: آشنایی دانشجویان با کتابخانه و اینترنت، آشنایی با روش‌های جستجو و بازیابی و به‌کارگیری منابع پژوهشی و کسب مهارت‌ها و سواد اطلاعاتی.

سرفصل درس

۱. کتابخانه: تعریف و توصیف

۲. منابع کتابخانه‌ای: چاپی و غیرچاپی

۳. شیوه بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای

۴. اینترنت: تعریف و توصیف

۵. آشنایی با بانک‌های اطلاعاتی

۶. شیوه‌های جستجو منابع مورد نیاز پژوهش از اینترنت

۷. آشنایی با مشهورترین موتورهای جستجو در دنیای مجازی

۸. آشنایی با مشهورترین شبکه‌ها و سایت‌های مربوط به علوم سیاسی و اجتماعی

۹. آشنایی کاربردی و عملیاتی با انواع شیوه‌های جستجو در منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی.

ج) کارگاه پژوهشی در علوم سیاسی

کارگاه عبارت است از: گردهمایی تعدادی از افراد با تجربه و مسئول با تکی چند از کارشناسان به منظور پیدا کردن راهکار منطقی در زمینه مسائل حرفه‌ای و مشکلات مورد نظر خود و افزایش مهارت‌های شخصی آنان. شرکت‌کنندگان در کارگاه دست‌کم می‌بایست دارای مسئولیت اجرایی باشند یا در آینده نزدیک به‌کار اجرایی بپردازند.

کارگاه روشی است مبتنی بر حل مسئله. برای جلب مشارکت افراد از انواع فنون بحث گروهی استفاده می‌شود. برنامه‌ریزی پژوهشی هر فعالیت جدید در طی کارگاه می‌بایست بر مبنای مطالبی باشد که در قبل در کلاس‌های درس آموزش داده شده باشد. کارگاه در طی مدت چند روز تا



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۱۷

بنیان‌گذاری گروه
درس‌های ...



حداکثر یک هفته برگزار می‌شود. تمام شرکت‌کنندگان فعالانه در بحث شرکت نموده و با همکاری هم بهترین راه‌حل را انتخاب می‌کنند. یکی از متداول‌ترین روش‌های مورد استفاده در کارگاه، بحث گروهی درباره مسائلی است که از قبل تعیین شده است. هر عضو نظریات خود را ابراز نموده و در عین حال از نظرات و تجربیات دیگران درباره سؤالات مورد علاقه خود استفاده می‌کند.

در کارگاه منابع و مآخذ مناسب در رابطه با موضوع کارگاه ارائه می‌شود. پس از پایان کارگاه توقع این است که در پیشرفت درسی، پژوهشی و شغلی شرکت‌کنندگان، حرکتی انجام شده باشد و شرکت‌کنندگان در کاربرد روش‌های ارائه‌شده ترغیب شده باشند. هدف دقیق کارگاه ایجاد شرایطی است که در آن شرکت‌کنندگان در کارگاه تصمیم بگیرند، برنامه طرح نمایند و تغییرات لازم را به وجود آورند. تعداد افراد شرکت‌کننده در کارگاه به‌طور معمول ۱۰ الی ۱۵ نفر و تا حداکثر ۲۵ الی ۳۰ نفر می‌باشد. هر کارگاه به‌طور عمده از سه قسمت تشکیل شده است: سخنرانی (یک ششم کل زمان کارگاه را به‌خود اختصاص می‌دهد)، بحث گروهی و کار در گروه‌های کوچک (دو سوم زمان کارگاه را به‌خود اختصاص می‌دهد)، و جلسه ارائه کارگروه‌ها و مشارکت جمعی (یک ششم زمان را به‌خود اختصاص می‌دهد). محدودیت‌هایی که در شیوه آموزشی کارگاه وجود دارد عبارت است از: نیاز به زمان زیادی برای شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان دارد؛ برای تعداد کمتر از ده نفر کاربرد ندارد؛ به تسهیلات خاص نیاز دارد؛ امکان عدم مشارکت بعضی از افراد و فعالیت مستقل آنها در طی برگزاری کارگاه وجود دارد؛ برگزاری کارگاه هزینه نسبتاً بالایی دارد.

اهداف آموزشی می‌بایست از تحلیل نیازها سرچشمه گرفته باشد. تعداد افرادی که قرار است آموزش ببینند، ماهیت آموزش و کاری که فراگیران بعد از آموزش می‌بایست قادر به انجام آن باشند، تعریف شود. کمیته برگزاری کارگاه تعیین موارد زیر را به‌عهده دارد: تعیین اهداف کلی، اهداف ویژه رفتاری، تعیین عنوان کارگاه، تعیین نوع افراد شرکت‌کننده و نوع تخصص آنها، طبقه‌بندی و گروه‌بندی شرکت‌کنندگان به گروه‌های کوچک با توجه به تخصص و تجارب آنها، پیش‌بینی و تهیه محتوای آموزشی، تهیه سؤالات پیش‌آزمون و پس‌آزمون و تکثیر آنها به تعداد شرکت‌کنندگان، طرح سؤالات بحث گروهی متناسب با تخصص‌ها و موضوع بحث‌ها، تهیه فرم ارزشیابی و نظرخواهی پایان کارگاه، تعیین محل کارگاه، پیش‌بینی محل اقامت شرکت‌کنندگان، تعیین زمان برگزاری کارگاه، زمان‌بندی برنامه (با توجه به مدت سخنرانی‌ها، استراحت، کار گروهی، بحث عمومی، زمان جمع‌بندی)، تعیین رئیس و دبیر جلسه از میان شرکت‌کنندگان در هر روز، پیش‌بینی ناظر یا تسهیل‌کننده بحث گروهی، تهیه و ارسال برنامه کارگاه جهت افراد



شرکت‌کننده و سایر افراد درگیر، تعیین انتظارات از افراد شرکت‌کننده (توصیه به مطالعه متون خاص، جمع‌آوری آمار یا اطلاعات خاص) و ارسال شرح توقعات همراه دعوت‌نامه، تهیه دعوت‌نامه و ارسال به‌موقع برای افراد شرکت‌کننده، تعیین زمانی برای قبول فرم درخواست، پیش‌بینی و تأمین هزینه کارگاه، پیش‌بینی و تأمین تدارکات و تجهیزات و تعیین مسئول تدارکات و تجهیزات، نصب پلاکاردهای لازم، ارتباط با مطبوعات برای انجام مصاحبه و تهیه گزارش، بررسی نهایی وضعیت سالن و کلاس‌ها در دو روز قبل از برگزاری کارگاه. اقداماتی که در زمان برگزاری کارگاه می‌بایست انجام شود نیز عبارت‌اند از: رئیس جلسه در ابتدا خوشامد می‌گوید و اعضاء کارگاه را معرفی می‌نماید، سخنرانان توسط رئیس جلسه دعوت می‌شوند، برنامه اعلام می‌گردد، هر سخنران حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه مطالبی را ارائه می‌دهد و سپس اعضا در گروه‌های (۵ تا ۱۰ نفره) در کلاس، کار گروهی انجام می‌دهند و پیرامون سؤالات تعیین‌شده، بحث و تبادل نظر می‌کنند؛ پس از پایان کار گروهی در یک نشست عمومی از هر گروه یک نفر به‌عنوان گزارشگر، نتایج کار گروهی خود را به جمع ارائه می‌دهد تا روی آن بحث و اظهار نظر کنند؛ در هر گروه یک نفر به‌عنوان تسهیل‌کننده و هماهنگ‌کننده کارگروه (راهنما) حضور دارد، این افراد از قبل تعیین شده‌اند. وظایف رئیس جلسه عبارت است از: مدیریت در جلسه از شروع سخنرانی آموزش‌دهندگان تا جمع‌بندی بحث عمومی جلسه برعهده رئیس جلسه است؛ از رئیس جلسه انتظار می‌رود خود را عضوی مثل سایرین بداند، دیگران را به شرکت در بحث تشویق و ترغیب کند، اعضا را تشویق کند به نظرات یکدیگر احترام بگذارند، اعضا را به گرفتن تصمیمات جمعی هدایت کند، به نظرات درست احترام بگذارد و بازخورد مناسب بدهد، از تخصص همه افراد استفاده کند، به یاد داشته باشد که هیچ عضوی در جلسه از او پایین‌تر نیست، در صورت خارج شدن سخنران از موضوع بحث می‌تواند به او تذکر بدهد. وظایف دبیر جلسه عبارت است از: حفظ نظم و ترتیب بحث‌ها، رعایت زمان تعیین‌شده برای هر فعالیت، همکاری با رئیس جلسه در دعوت از استادان و نمایندگان گروه‌ها برای ارائه نتایج کار گروهی مطابق با برنامه زمان‌بندی شده، و تهیه گزارش کارگاه. مسائلی که سخنران (آموزش‌دهنده) لازم است رعایت کند: مدت سخنرانی نباید بیشتر از ۳۰ دقیقه باشد، اهداف آموزشی را در ابتدای سخنرانی به اطلاع دیگران برساند، به یاد داشته باشد پاسخ بسیاری از سؤالات را می‌توان در طی بحث گروهی داد، از مطالب جدید برای ارائه موضوع استفاده کند، رئوس مطالب را به‌صورت جزوه در اختیار شرکت‌کنندگان بگذارد، ایجاد انگیزه در ابتدای سخنرانی که می‌تواند به‌صورت‌هایی

انجام شود: نمایش یک فیلم ویدیو کوتاه یا اسلاید یا تصویر در ارتباط با موضوع مورد بحث، بیان یک تجربه یا داستان در پیوند با موضوع مورد بحث، خواندن قطعه شعر یا قطعه ادبی که با بحث ارتباط داشته باشد.

نحوه انجام کار گروهی عبارت است از: اعضا در گروه‌های کوچک ۵ تا ۱۰ نفری در کلاس‌های مجزا و محیط آموزشی با تجهیزات مورد نیاز (میز، صندلی، وایت بورد، مایک) قرار می‌گیرند، اعضاء خود را معرفی می‌کنند، در گروه یک نفر به‌عنوان رئیس، یک نفر به‌عنوان دبیر انتخاب می‌شود، یک منشی و یک گزارشگر انتخاب می‌شود، اهداف و زمان کار گروه توسط راهنما یا تسهیل‌کننده به کلیه اعضاء گروه تذکر داده می‌شود، رئیس گروه اداره جلسه و حفظ نظم و هماهنگی بحث، و دبیر گروه مسئولیت تنظیم گزارش‌ها را به‌عهده دارد، یادداشت بحث‌ها و نکات مهم بر روی تخته به‌عهده منشی تخته است، گزارشگر، تصمیمات اتخاذ شده در بحث گروهی را به کارگاه ارائه می‌دهد، دیدگاه و نتیجه‌گیری‌های شخصی خود را دخالت نمی‌دهد، در صورتی که هنگام گزارش، جواب سؤال را نداند، می‌تواند از نظرات سایر اعضاء گروه خود استفاده کند. نحوه گزارش یک کارگاه آموزشی می‌تواند از این قرار باشد: مقدمه (شرحی کوتاه در مورد دلایل منتهی به برگزاری کارگاه)، هدف کلی کارگاه، شرح نحوه عمل کارگاه و چگونگی انطباق شرکت‌کنندگان با این نحوه عمل، نمونه‌ای از نتایج به‌دست آمده از کار گروهی، فهرستی از مدارک مورد استفاده قرار گرفته، نتایج ارزشیابی توسط شرکت‌کنندگان، فهرست شرکت‌کنندگان، ارزشیابی درازمدت که حداقل یکسال پس از شروع کارگاه انجام می‌شود. این ارزشیابی توسط ابزار پرسشنامه یا مصاحبه حضوری انجام می‌شود.

کارگاه پژوهشی در علوم سیاسی

هجده ساعت

تعداد واحد: ۱

نوع واحد: عملی

نوع درس: پایه

پیش‌نیاز: ماهیت پژوهش و روش در علوم سیاسی، پژوهش‌های کیفی در علوم سیاسی، پژوهش‌های کمی در علوم سیاسی، آشنایی با منابع کتابخانه‌ای و روش‌های جستجو در اینترنت.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۲۰

دوره سوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۹

هدف: فراگیری شیوه‌های عملی ارائه نتایج پژوهش به صورت نوشتاری، دیداری و شنیداری به صورت کارهای گروهی.

سرفصل درس

۱. شیوه‌های کارگروهی در کارگاه پژوهش: معانی و مفاهیم، ابزارها و متدها.
۲. برگزاری انواع شیوه‌های ارائه نتایج پژوهش به صورت: سخنرانی، مکتوب، فیلم و ویدیویی، جلسه‌های نقد، مناظره، گفتگوهای دو یا چند نفره، اتاق گفتگو در اینترنت، ویدیو کنفرانس.
۳. انجام تمرین‌های کاربردی و گروهی در زمینه روش‌های گردآوری اطلاعات: مصاحبه، پرسشنامه، فیش برداری، نمونه برداری، مشاهده مستقیم و غیرمستقیم، سندخوانی، تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان، نمونه‌گیری، روش‌های آزمون روایی و پایایی، کاربست SPSS، تحلیل گفتگو، تحلیل متن، تحلیل فیلم و ویدیو، تحلیل داده‌های ثانویه، نقش آمار، تحلیل‌های یک متغیره و دو متغیره، کاربست مقیاس‌ها و طیف‌های اندازه‌گیری، گزارش‌های کمی، گزارش‌های کیفی.

نتیجه‌گیری

علوم سیاسی، رشته‌ای میان‌رشته‌ای است. گاهی اوقات از اصطلاح چهارراه علوم انسانی برای توصیف درون‌مایه‌های رشته علوم سیاسی بهره گرفته شده و این به معنای گستردگی دانش‌هایی است که در دروس علوم سیاسی از آنها بهره‌های گوناگون گرفته می‌شود. دانش‌های پشتیبان همچون تاریخ، اقتصاد، جامعه‌شناسی، حقوق، فلسفه، روان‌شناسی و مدیریت سبب شده‌اند در پیوند با دامنه اختصاصی علم سیاست، دانش‌های میان‌رشته‌ای همچون تاریخ دیپلماسی، اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، فلسفه سیاسی، حقوق عمومی، مدیریت سیاسی / دولتی و روان‌شناسی سیاسی پدیدار شوند. از دانشجوی علوم سیاسی، پس از فراغت از آموزش، دو انتظار وجود دارد: اول اینکه بتواند درباره یک موضوع و مسئله اجتماعی که به نحوی در ذهن‌های افراد جامعه ایجاد دشواری نموده است، با بهره‌گیری از آنچه در دوران تحصیل، آموخته است، نوشته‌ای پژوهشی بنگارد که دستاورد نهایی آن، حل و فصل آن کاستی و کژی‌ای باشد که گریبان جامعه را گرفته است. دوم اینکه، باید بتواند به نحوی مجاب‌کننده، درباره نیازمندی‌های جامعه خود، به بیان شفاهی / سخنرانی‌روشمندانه‌ای پردازد که در آن، خواسته‌های مردمان، تجمیع و به اصحاب حکومت منتقل شود. پس، گفتن گفتار روشمند و نوشتن نوشتار چارچوب‌دار، دو وظیفه فرجامین یک فرهیخته دانش سیاست است. بنابراین،



به نظر نگارنده بهتر است به جای چهار واحد درس روش تحقیق در علوم سیاسی که کسکولی بی محتوا و فاقد روشمندی را به دانشجو تحویل می دهد و تحمیل می کند، چند درس گوناگون و با کیفیت های کاربردی را به او آموزش دهیم تا دست کم در بازار کار و اشتغال، تمامی درها بر روی وی بسته نباشد.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۲۲

دوره سوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۹

منابع^۱

- اتسلندر، پتر. (۱۳۷۵). *روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی*. ترجمه بیژن کاظم زاده. مشهد: آستان قدس رضوی. چاپ دوم.
- ادواردز، جک. [و دیگران]. (۱۳۸۴). *تحقیق پیمایشی*. ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ دوم.
- اردستانی، علی. (۱۳۸۸). *ساختار و ماهیت روش‌شناسی در علم سیاست*. تهران: قومس.
- ازکیا، مصطفی؛ دربان آستانه، علیرضا. (۱۳۸۲). *روش‌های کاربردی تحقیق*. تهران: کیهان.
- اسپریگن، توماس. (۱۳۶۵). *فهم نظریه‌های سیاسی*. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: آگاه.
- استراس، آنسلم، کوربین، جولیت. (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ دوم.
- استربرگ، کریستین. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی*. ترجمه احمد پوراحمد و علی شماعتی. یزد: دانشگاه یزد.
- استریکلند، دونالد، وید، لاری؛ جانستون، ری. (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر تحلیل سیاسی*. ترجمه علی معنوی. تهران: آگاه.
- استرینگر، ارنست. (۱۳۸۱). *تحقیق عملی: راهنمای مجریان تغییر و تحول*. ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ دوم.
- اسمیت، آلن. (۱۳۷۷). *علم و جامعه در سده‌های شانزدهم و هفدهم*. ترجمه علی حقی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- اسنل، ند. (۱۳۸۱). *کتاب آموزشی Internet*. ترجمه علیرضا یعقوب‌پور. تهران: شایگان. چاپ دوم.
- اعتماد، شاپور. [ترجمه و تألیف و گردآوری]. (۱۳۷۵). *دیدگاه‌ها و برهان‌ها: مقاله‌هایی در فلسفه علم و فلسفه ریاضی*. تهران: نشر مرکز.
- اعرابی، سیدمحمد. (۱۳۸۲). *تحقیق تطبیقی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ویراست دوم. چاپ دوم.
- افتخاری، قاسم. (۱۳۸۴). «تبارشناسی شناخت و شناسایی دانش و روش علمی». *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*. سال اول. شماره اول. زمستان ۱۳۸۴.
- افتخاری، قاسم. (۱۳۸۵). «بررسی روش شناختی پایان‌نامه‌های دوره دکترای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران». *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*. سال اول. شماره ۵.
- افتخاری، قاسم. (۱۳۸۷). «تلاش ناکام تحمیل بینش فلسفی به روش علمی در قرن بیستم». *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*. سال ۳. شماره ۳. شماره پیاپی ۱۱. تابستان ۱۳۸۷.

۱. نگارنده از برخی از منابع به‌طور مستقیم بهره گرفته است. کتاب‌ها و مقاله‌های دیگر به تکمیل و متمم ایده‌های ذهنی نویسنده مدد رسانده و به‌طور غیرمستقیم در طرح سرفصل درس‌های هشت‌گانه پیشنهادی ایفای نقش نموده‌اند.





- افشار زنجانی، ابراهیم. [و دیگران]. (۱۳۷۸). *اینترنت، جنبه‌های نظری و کاربردی آن*. تهران: نشر کتابدار. اکاشا، سمیر. (۱۳۸۷). *فلسفه علم*. ترجمه هومن پناهنده. تهران: فرهنگ معاصر.
- الرك، پاملا؛ ستل، رابرت. (۱۳۸۰). *درسنامه پژوهش پیمایشی*. ترجمه مهراذخت نظام شهیدی، اردشیر امیدی صحنه و محمود متحد. تهران: آگه.
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: مدیران. چاپ سوم.
- ایستریبای اسمیت، مارک؛ ثورب، ریچارد؛ لو، اندی. (۱۳۸۴). *درآمدی بر تحقیق مدیریت*. ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۵). «تحقیق اقدامی مشارکتی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۲. شماره ۴۷. تابستان ۱۳۸۵.
- ایمان، محمدتقی؛ آقاپور، اسلام. (۱۳۸۶). «تکنیک زاویه‌بندی در تحقیقات علوم انسانی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۳. شماره ۵۲. پاییز ۱۳۸۶.
- باترفیلد، هنری. (۱۳۷۹). *میانی علم نوین*. ترجمه یحیی نقاش صبحی. تهران: علمی و فرهنگی.
- بادامچی، میثم. (۱۳۸۶). «فردگرایی و کل‌گرایی در فلسفه علوم اجتماعی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۳. شماره ۵۲. پاییز ۱۳۸۶.
- بارزان، ژاک؛ گراف، هنری فرانکلین. (۱۳۸۵). *پژوهشگر نوین: روش پژوهش و گزارش*. ترجمه مجید خیام‌دار و مریم جابر. تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سازمان سمت.
- باقری، شهلا. (۱۳۸۷). «علوم انسانی/اجتماعی، از بحران تا بومی‌سازی: انتقادات و راه‌کارها». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۴. شماره ۵۴. بهار ۱۳۸۷.
- باگلیونه، لیزا. (۱۳۹۰). *روش نگارش مقاله پژوهشی در علوم سیاسی*. ترجمه محسن خلیلی و رضا دانشمندی. مشهد: مرن‌دیز.
- بالکر، استیو؛ دولوویتز، دیوید. (۱۳۸۶). *کاربرد اینترنت در علوم سیاسی*. ترجمه غزاله اشرفی. تهران: نشر میزان.
- بی، ارل. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: نظری/علمی*. ترجمه رضا فاضل. تهران: سازمان سمت.
- برت، ادوین آرتور. (۱۳۷۴). *مبانی مابعدالطبیعه علوم نوین*. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: علمی و فرهنگی. چاپ دوم.
- برنال، جان. (۱۳۵۴ و ۱۳۵۶). *علم در تاریخ*. ترجمه محمد حیدری ملایری، محسن ثلاثی و بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: امیرکبیر. جلد‌های ۱ و ۲ [یک مجلد] و ۳ و ۴ [یک مجلد].
- برورتون، پل؛ میلوارد، لینه. (۱۳۸۵). *تحقیق سازمانی*. ترجمه سیدمحمد اعرابی و هاشم آقازاده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.



- برومندزاده، تقی؛ ملک‌میان، لینا. (۱۳۸۴). *راهنمای تمرین‌های درآمدی بر روش‌های آماری: کاربرد آمار در پژوهش*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بست، جان. (۱۳۸۱). *روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری*. ترجمه حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی. تهران: رشد. چاپ نهم.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۷). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشرنی. چاپ دوم.
- بنتون، تد؛ کرایب، یان. (۱۳۸۶). *فلسفه علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی*. ترجمه شهناز مسمی‌پرست و محمود متحد. تهران: آگه. چاپ دوم.
- بود، میشل. (۱۳۸۷). *هنر تزئینی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
- بورنهام، پیتر. [و دیگران]. (۱۳۸۸). *روش‌های پژوهش در سیاست*. ترجمه سیدمحمدکمال سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- بورج، ویلیام یان بردمور. (۱۳۸۶). *هنر تحقیق علمی*. ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران: مازیار.
- بیکر، ترز. (۱۳۸۶). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نابیی. تهران: نشر نی.
- پایا، علی. (۱۳۸۵). «آینده علوم انسانی در ایران». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۲. شماره ۴۹. زمستان ۱۳۸۵. صص ۲۴/۹.
- پری، گرگ. (۱۳۸۳). *کتاب آموزش Windows XP در ۲۴ ساعت*. ترجمه سعید هراتیان و مهرداد توانا. تهران: ناقوس. چاپ سوم.
- تخشید، محمدرضا؛ متین جاوید، مهدی. (۱۳۸۹). «روش‌های تحقیق ترکیبی در علوم سیاسی». *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۹.
- تریک، راجر. (۱۳۸۴). *فهم علم اجتماعی*. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: نشرنی.
- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۸۵). *روش تحقیق با تأکید بر تاریخ*. شیراز: نوید شیراز.
- جعفری هرندی، رضا؛ نصر، احمدضا؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم. (۱۳۷۸). «تحلیل محتوا، روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۴. شماره ۵۵. تابستان ۱۳۷۸. صص ۵۸/۳۳.
- جواهری زاده، ناصر. (۱۳۸۶). *راهنمای تهیه و تدوین پیشنهاد پژوهش*. تهران: فرهنگ زبان.
- چالمرز، آلن فرانسیس. (۱۳۸۷). *چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی*. ترجمه سعید زیباکلام. تهران: سازمان سمت. چاپ هشتم.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سازمان سمت. چاپ یازدهم.
- حداد، وادی؛ دراکسلر، الکساندر. (۱۳۸۴). *فناوری برای آموزش: قابلیت‌ها، پارامترها، چشم‌اندازها*. ترجمه محمدرضا سرکارآرانی و علی‌رضا مقدم. تهران: نشرنی.
- حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: ساوالان. چاپ ششم.



- حسینی، سیدحمیدرضا. (۱۳۸۵). «مناسبات بین فهم و تبیین در علوم انسانی و طبیعی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۲. شماره ۴۷. تابستان ۱۳۸۵.
- حسینی بهشتی، سیدعلیرضا. (۱۳۸۰). *بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی*. تهران: بقیع.
- حشمت زاده، محمداقبر. (۱۳۸۹). *آموزش و پژوهش علوم سیاسی در ایران: روش کارگاهی و آزمایشگاهی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حقی، علی. (۱۳۸۴). *روش‌شناسی علوم تجربی: پژوهشی تطبیقی، تاریخی، انتقادی*. تهران: سعادت.
- حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۲). «بحران روش‌شناسی در علوم سیاسی». *علوم سیاسی*. سال ۶. شماره ۲۲. تابستان ۱۳۸۲.
- حقیقت، سیدصادق. (۱۳۸۷). *روش‌شناسی علوم سیاسی*. قم: دانشگاه مفید. چاپ دوم.
- خادمی، عزت. (۱۳۸۵). «تحولات روش‌شناسی پژوهش علمی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۲. شماره ۴۹. زمستان ۱۳۸۵.
- خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۷). *روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی*. تهران: بازتاب. چاپ چهارم.
- خرمایی، فرهاد. (۱۳۸۶). «گروه‌های متمرکز: روشی سودمند در پژوهش‌های کیفی علوم اجتماعی و انسانی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۳. شماره ۵۲. پاییز ۱۳۸۶.
- خفیف، حسین. (۱۳۸۶). «مقدمه‌ای بر روش پژوهش با رویکرد کاربردی به رساله‌نویسی در علوم انسانی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۳. شماره ۵۰. بهار ۱۳۸۶.
- داورپناه، محمدرضا. (۱۳۸۲). *جستجوی اطلاعات علمی و پژوهشی در منابع چاپی و الکترونیکی*. تهران: چاپار و دبیزش. چاپ دوم.
- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۸۶). *درباره علم*. تهران: هرمس. ویراست دوم. چاپ اول.
- دایک، تون آدریانوس فان. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*. ترجمه پیروز ایزدی [و دیگران]. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دلاور، علی. (۱۳۸۵). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: ویرایش. ویراست چهارم. چاپ بیستم.
- دنسکامب، مارتین. (۱۳۸۶). *قواعد پایه‌ای برای پژوهش خوب: ده رهنمود برای پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه منوچهر فرومند. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دورتیه، ژان فرانسوا. (۱۳۸۲). *علوم انسانی: گستره شناخت‌ها*. ترجمه مرتضی کتبی، جلال‌الدین رفیع‌فر و ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- دوورژه، موریس. (۱۳۷۵). *روش‌های علوم اجتماعی*. ترجمه خسرو اسدی. تهران: امیر کبیر. چاپ سوم.
- رابینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین. (۱۳۸۳). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*. ترجمه رحمت‌ا... صدیقی سروستانی. تهران: دانشگاه تهران. چاپ دوم.



- رایش‌نباخ، هانس. (۱۳۷۱). *پیدایش فلسفه علمی*. ترجمه موسی اکرمی. تهران: علمی و فرهنگی.
- راین، آلن. (۱۳۶۷). *فلسفه علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: علمی و فرهنگی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۶). *کندوکاوها و پنداشته‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ شانزدهم.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۷). *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ پنجم.
- رنان، کالین. (۱۳۶۶). *تاریخ علم کمبریج*. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- روزنبرگ، الکس. (۱۳۸۴). *فلسفه علم*. ترجمه مهدی دشت بزرگی و فاضل اسدی امجدی. قم: کتاب طه.
- روسناثو، پائولین مری. (۱۳۸۰). *پست مدرنیسم و علوم اجتماعی*. ترجمه محمدحسین کاظم‌زاده. تهران: آتیه.
- روسو، پی‌یر. (۱۳۷۸). *تاریخ علوم*. ترجمه حسن صفاری. تهران: امیرکبیر. چاپ هفتم.
- سارتن، جرج. (۱۳۸۳). *مقدمه بر تاریخ علم*. ترجمه غلامحسین صدری افشار. تهران: علمی و فرهنگی، جلد‌های اول، دوم [بخش ۱ و ۲] سوم [بخش ۱ و ۲] از هومر تا نیمه دوم سده چهاردهم. چاپ دوم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول: اصول و مبانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ دوازدهم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد سوم، *روش‌های کمی: آمار پیشرفته*. تهران: نشر دیدار. چاپ دوم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد دوم: بینش‌ها و فنون. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ هفتم.
- سایر، اندرو. (۱۳۸۵). *روش در علوم اجتماعی: رویکردی رئالیستی*. ترجمه عماد افروغ. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگه. چاپ پانزدهم.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۶). *درس‌هایی در فلسفه علم/اجتماع*. تهران: نشر نی. چاپ دوم.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۵). *تفرج صنع: گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط. چاپ ششم.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۱). *سیر روش و پژوهش در رشته روابط بین‌الملل*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۶). *روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*. تهران: فرزانه روز. چاپ چهارم.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۸۷). *روش تحقیق کیفی*. تهران: پیام پویا.
- سمیعی‌گیلانی، احمد. (۱۳۸۵). *نگارش و ویرایش*. تهران: سازمان سمت. چاپ هفتم.



- سنجابی، علیرضا. (۱۳۸۴). *روش‌شناسی در علم سیاست و روابط بین‌الملل*. تهران: قومس.
- سیدامامی، کاووس. (۱۳۸۴). «گوناگونی روش‌شناختی در علوم اجتماعی و ضرورت عنایت به آن در طراحی و ارزیابی پروژه‌های پژوهشی». *اطلاعات سیاسی اقتصادی*. سال ۲۰. شماره ۵ و ۶. شماره پیاپی ۲۲۱ و ۲۲۲. بهمن و اسفند ۱۳۸۴.
- سیدامامی، کاووس. (۱۳۸۶). *پژوهش در علوم سیاسی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه امام صادق.
- سیدامامی، کاووس. (۱۳۸۷). «پارادوکس‌های آموزش روش‌شناسی علم سیاست در ایران؛ برخی راه‌کارهای عمل‌گرایانه». *دانش سیاسی*. سال ۴. شماره اول. شماره پیاپی ۷. بهار و تابستان ۱۳۸۷.
- سیدامامی، کاووس. (۱۳۸۹). «جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی ایران». *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*. سال ۵. شماره ۲. شماره پیاپی ۱۸. بهار ۱۳۸۹. ص
- سیدعباس زاده، میرمحمد. (۱۳۸۶). *روش‌های علمی تحقیق در علوم انسانی*. ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- سیدمن، استیون. (۱۳۸۶). *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.
- شرت، ایوان. (۱۳۸۷). *فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای: هرمنوتیک، تبارشناسی و نظریه انتقادی از یونان باستان تا قرن بیست‌ویکم*، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.
- صدوقی، مجید. (۱۳۸۷). «بازبینی و متناسب‌سازی معیارهای ارزیابی و پژوهش کمی برای مطالعات کیفی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۴. شماره ۵۵. تابستان ۱۳۸۷.
- صلحجو، علی. (۱۳۸۷). *نکته‌های ویرایش*. تهران: نشر مرکز. چاپ دوم.
- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *روش تحقیق در علوم سیاسی*. تهران: قومس. چاپ هفتم.
- عابدی، حیدرعلی. (۱۳۸۵). «تحقیقات کیفی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۲. شماره ۴۷. تابستان ۱۳۸۵.
- عابدی، احمد؛ شواخی، علیرضا؛ جعفری، بتول. (۱۳۸۶). «روش‌شناسی اقدام‌پژوهی و کاربرد آن در پژوهش‌های علوم رفتاری». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۳. شماره ۵۱. تابستان ۱۳۸۶.
- عباس‌زادگان، سیدمحمد؛ فتوت، احمدرضا. (۱۳۸۴). *کاربرد پایایی و روایی در پژوهش*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عمادخراسانی، نسرین‌دخت. (۱۳۸۷). *روش پژوهش برای کودکان دبستانی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ دوم.
- فاخر، علی. (۱۳۸۷). *ابزار عمومی تحقیق*. تهران: دانشگاه تهران. چاپ چهارم.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). *آیین نگارش مقاله علمی پژوهشی*. تهران: سخن.
- فرانکفورد، چاوا؛ نجمیاس، دیوید. (۱۳۸۱). *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*. ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی. تهران: سروش.



- فرشاد، مهدی. (۱۳۶۵ و ۱۳۶۶). *تاریخ علم در ایران*. ج ۱ و ۲. تهران: امیرکبیر.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته پیران [و دیگران]. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ صفرزاده، حسین. (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*. تهران: پیام پویا. چاپ دوم.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.
- فی، برایان. (۱۳۸۳). *نظریه اجتماعی و عمل سیاسی*. ترجمه محمد زارع. تهران: روزنامه ایران.
- فی، برایان. (۱۳۸۴). *فلسفه امروزی علوم اجتماعی*. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو. چاپ دوم.
- کاپالدی، نیکلاس. (۱۳۷۷). *فلسفه علم*. ترجمه علی حقی. تهران: سروش.
- کازی، پل. (۱۳۸۶). *پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری*. ترجمه حجت‌الله فراهانی و حمیدرضا عریضی. تهران: نشر روان.
- کاظمی، سیدعلی‌اصغر. (۱۳۸۶). *روش و بینش در سیاست*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. چاپ سوم.
- کالینیکوس، آکس. (۱۳۸۳). *درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی*. ترجمه اکبر معصوم‌بیگی. تهران: آگه.
- کامران، فریدون؛ نیک‌خلق، علیاکبر. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: چاپخش.
- کراملیش، کریستین. (۱۳۷۸). *کتاب آموزشی Internet*. ترجمه مهرناز آراین. تهران: تورنگ. چاپ دوم.
- کرایب، یان. (۱۳۷۸). *نظریه اجتماعی مدرن*. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کرایب، یان. (۱۳۸۲). *نظریه اجتماعی کلاسیک*. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: آگه.
- کرپیندورف، کلوس. (۱۳۸۶). *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشرنی. چاپ سوم.
- کلاین، پل. (۱۳۸۰). *راهنمای آسان تحلیل عاملی*. ترجمه سیدجلال صدرالسادات و اصغر مینایی. تهران: سازمان سمت.
- کوپر، هریس. (۱۳۸۵). *پژوهش ترکیبی: راهنمای بررسی متون پژوهشی*. ترجمه محمدعلی حمید رفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ دوم.
- کورتز، نورمن. (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر آمار در علوم اجتماعی*. ترجمه حبیب‌الله تیموری. تهران: نشرنی. چاپ پنجم.
- کوهن، تامس. (۱۳۸۳). *ساختار انقلاب‌های علمی*. ترجمه عباس طاهری. تهران: نشرقصد.
- کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان. (۱۳۸۶). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا. چاپ دوم.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس. (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و*



- روان‌شناسی. ترجمه احمد رضا نصر [و دیگران]. ج اول و دوم. تهران: سازمان سمت و دانشگاه شهید بهشتی. چاپ چهارم.
- گلوور، دیوید؛ استرابریج، شیلاف؛ توکل، محمد. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی معرفت و علم*. ترجمه شاپور بهیان [و دیگران]. تهران: سازمان سمت.
- گیلهام، بیل. (۱۳۸۵). *مصاحبه پژوهشی: راهنمای فن مصاحبه علمی*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- گیلیس، دانالد. (۱۳۸۱). *فلسفه علم در قرن بیستم*. ترجمه حسن میانداری. تهران: سازمان سمت و کتاب طه. لازی، جان. (۱۳۶۲). *درآمدی تاریخی به فلسفه علم*. ترجمه علی پایا. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- لنکستر، ویلفرد. (۱۳۶۶). *کتابخانه‌ها و کتابداران در عصر الکترونیک*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی.
- لوزیک، دانیل. (۱۳۸۳). *نگرش نو در تحلیل مسائل اجتماعی*. ترجمه سعید معیدفر. تهران: امیرکبیر.
- لوین، جان؛ بارودی، کارل. (۱۳۷۶). *اینترنت برای همه*. ترجمه ابوالقاسم شادمان پور. [بندرعباس]: دانشگاه هرمزگان.
- لیتل، دانیل. (۱۳۷۳). *تبیین در علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: صراط.
- لیندبرگ، دیوید. (۱۳۷۷). *سراغ‌های علم در غرب*. ترجمه فریدون بدرهای. تهران: علمی و فرهنگی.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری. (۱۳۷۸). *روش و نظریه در علوم سیاسی*. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مارشال، کاترین؛ راس من، گرچن. (۱۳۸۶). *روش تحقیقی کیفی*. ترجمه علی پارساییان و سید محمداعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ سوم.
- مانهایم، یارول؛ ریچ، ریچارد. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم سیاسی: تحلیل تجربی*. ترجمه لیل سازگار. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ دوم.
- محمدامزبان، محمد. (۱۳۸۰). *روش تحقیق علوم اجتماعی از اثبات‌گرایی تا هنجارگرایی*. ترجمه عبدالقادر سواری. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹ الف). *روش در روش*. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹ ب). *ضد روش*. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹ پ). *فراروش*. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی، بیوک. (۱۳۸۷). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۱). *شیوه‌نامه ویرایش: اصول ویرایش و نشر*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ دوم.



- محمدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۱). *شیوه‌نامه ویرایش: تولید کتاب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ دوم.
- محمدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۱). *شیوه‌نامه ویرایش: رسم‌الخط فارسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ دوم.
- محمدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۱). *شیوه‌نامه ویرایش: شیوه‌نامه وب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۱). *شیوه‌نامه ویرایش: کالبدشناسی کتاب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ دوم.
- محمدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۱). *شیوه‌نامه ویرایش: نقطه‌گذاری*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ دوم.
- محمدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۱). *شیوه‌نامه ویرایش: نگارش*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ دوم.
- مرادی، نورالله. (۱۳۷۴). *مرجع‌شناسی*. تهران: فرهنگ معاصر. چاپ دوم.
- معینی‌علمداری، جهانگیر. (۱۳۸۵). *روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فرااثبات‌گرایی)*. تهران: دانشگاه تهران.
- مقیمی، سیدمحمد. (۱۳۸۶). «روش‌شناسی موردکاوی و کاربردهای آن در علوم انسانی». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۳. شماره ۵۰. بهار ۱۳۸۶.
- ملائی‌توانی، علیرضا. (۱۳۸۶). *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*. تهران: نشرنی.
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۵). «روش تحلیل محتوای متن گفتاری و نوشتاری». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۲. شماره ۴۸. پاییز ۱۳۸۵.
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۵). «روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۲. شماره ۴۷. تابستان ۱۳۸۵.
- منوچهری، عباس. [به اهتمام]. (۱۳۸۷). *رهیافت و روش در علوم سیاسی*. تهران: سازمان سمت.
- مولر، جان هنری؛ شوسلر، کارل؛ کاستنر، هربرت. (۱۳۸۷). *استدلال آماری در جامعه‌شناسی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشرنی. چاپ چهارم.
- مولکی، مایکل. (۱۳۷۶). *علم و جامعه‌شناسی معرفت*. ترجمه حسین کچویان. تهران: نشرنی.
- میلر، دلبرت. (۱۳۸۷). *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشرنی. چاپ سوم.
- ناجی، سعید. (۱۳۸۵). «نقدی بر آموزش روش تحقیق در نظام آموزشی کشور». *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۲. شماره ۴۷. تابستان ۱۳۸۵.
- نادری، عزت‌الله؛ سیف‌نراقی، مریم؛ شاهپوریان، فرنگیس. (۱۳۸۶). *راهنمای عملی فراهم‌سازی طرح تحقیق*.

تهران: نشر روان. چاپ دوم.

نادری، عزت‌الله؛ سیفناقی، مریم. (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی*. تهران: ارسباران. ویرایش پنجم. چاپ سوم.

واس، دی. ای. د. (۱۳۸۷). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییب. تهران: نشرنی. چاپ دهم.

واس، دی. ای. د. (۱۳۸۷). *طرح تحقیق در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییب. تهران: آگه. وایت، ویلیام فوت. (۱۳۸۵). *پژوهش عملی مشارکتی*. ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی. تهران: دفتر نشر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.

وبر، ماکس. (۱۳۸۷). *روش‌شناسی علوم اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر مرکز. چاپ سوم. وینچ، پیتر. (۱۳۷۲). *ایده علم اجتماعی و پیوند آن با فلسفه*. ترجمه سازمان سمت. تهران: سازمان سمت. هاپکینز، دیوید. (۱۳۸۴). *پژوهش در کلاس درس*. ترجمه مسعود وفایی و سیدعلی‌اکبر مرعشی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

هاراوی، جان. (۱۳۸۴). *درآمدی بر روش‌های آماری: کاربرد آمار در پژوهش*. ترجمه لینا ملک‌میان و تقی برومندزاده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ دوم.

هال، لوییس ویلیام هلزی. (۱۳۶۹). *تاریخ و فلسفه علم*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: سروش. چاپ دوم.

هاملین، دیوید. (۱۳۷۴). *تاریخ معرفت‌شناسی*. ترجمه شاپور اعتماد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

های، کالین. (۱۳۸۵). *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشرنی. هدریک، تری الیزابت؛ بیک من، لئونارد؛ دبرا، رگ. (۱۳۸۱). *تحقیق کاربردی: راهنمای عمل*. ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ دوم.

هروی، جواد. (۱۳۸۶). *روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ*. تهران: امیرکبیر. هموند، آلن [و دیگران]. (۱۳۸۱). *اینترنت جام جهان‌نما*. ترجمه ارسطو صفیاری. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

هوشمندیار، نادر. (۱۳۸۸). *روش تحقیق در مدیریت، مدیریت سیاسی و روابط بین‌الملل*. تهران: هزاره سوم اندیشه.

هولستی، آل. (۱۳۸۰). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*. ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. چاپ دوم.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۵). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: سازمان سمت.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۶). *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*. تهران: سازمان سمت.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۲

دوره سوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۹

هومن، حیدر علی. (۱۳۸۷). *راهنمای عملی فراتحلیل در پژوهش علمی*. تهران: سازمان سمت.
یر، دامپی. (۱۳۷۱). *تاریخ علم*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: سازمان سمت.
ین، رابرت. (۱۳۸۱). *تحقیق موردی*. ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ دوم.
ین، رابرت. (۱۳۸۷). *کاربرد تحقیق موردی*. ترجمه سیدمحمد اعرابی، محمدرحمانی و روح‌الله سهرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

Dawson, Heather (2003) **using the Internet for political research**, Oxford, Chandos Publishing.

Harrison, Lisa (2001) **Political research: an introduction**, London, Routledge.

McNabb, David (2005) **Research methods for political science: quantitative and qualitative methods**, New Delhi, Prentice-Hall.

Pennings, Paul. Keman, Hans, Kleinnijenhuis, Jan (1999) **Doing research in political science: an introduction to comparative methods and statistics**, London, Sage Publication.

Walliman, Nicholas (2001) **your research project: a step-by-step guide for the first-time researcher**, London, Sage Publication.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۳

بنیان‌گذاری گروه
درس‌های ...